

**اقتصاد**

**سرمایه گذاری خارجی  
یا تاراج سرمایه ملی؟**

تاریخ بار دیگر تجربه عظیمی را در عرصه مبارزه طبقاتی پیش روی توده های زحمتکش قرار داده است، تجربه ای که نه تنها در سطح ملی که در سطح بین المللی نیز صحت خود را به خصوص ظهور رسانده است. توده های مبارز این تجربه بعینه مشاهده کردند که هرگاه انقلاب هرچند در ابعاد بسیار توده ای صورت گیرد اما ضریب قدرت از جانب کارگران و دیگر زحمتکشان نگیرد، به عبارت دیگر توده های تنه به نفسی رژیم گذشته آنگاه برزند، هر رژیمی اعم از این گنمایند و بهر زوای باشد یا اقتضای از - خرد و بهر زوای در وحدت با بهر زوای به قدرت رسند، بر اساس منافع طبقاتی خود و بر زمینه ساخت اقتصادی موجود، الزام به بازسازی نظام پیشین مبادرت خواهد نمود. تنها طبقه کارگر است که هم رسالت و هم توان در هم شکستن ماشین دولتی بهر زوای یعنی ارتش و سیستم بوروکراسی را بردوش میکند. **بقیه در صفحه ۲۱**

**آلترناتیو پرولتاری  
و مسئله تصرف قدرت**

جنبش انقلابی توده ای خیزش نوینی را آغاز کرده است. معنی حرکت های اعتراضی در مسیر صعودی خویش شتاب بیشتری گرفته و عمل مزدوران مسلح رژیم در جهت سرکوب این حرکتها و درهم شکستن شان، هرچند گاه ناملمی را در این مبارزات از سوی توده ها سبب میشود ولیکن آنها را به عکس العمل شدید تر و روی آوری به اعتراضات و مبارزات گسترده تر و از لحاظ محتوی انقلابی - تر، سوق میدهد. **بقیه در مجازات توده**

اما، اکثر قریب به اتفاق این مبارزات توده های فاقد رهبری سوسیال دموکراتیک است. خرد و بهر زوای دموکرات (مجاهدین خلق) نیز به سبب اهمیت **بقیه در صفحه ۳**

**هیاهوی بسیار برای...**

این گرانی و نحوه ی مبارزه با آن نوشتند. سخنرانها، در شهرهای مختلف در اعتراض به فشار گرانی بر توده های زحمتکش ترتیب دادند. به کند و کاو در امور پرداختند و "قواتین انقلابی" از ایگانی بیرون کشیدند و اشاد مجازات **بقیه در صفحه ۲۲**

هیاهوی بی غرضی بر سر مبارزه با گرانی و اختکار برای افتاد و دستگاه - های تبلیغاتی رژیم بحرکت در آمده و سخن گویان رژیم حربه کهنه را دوباره به کمک گرفته اند. مثلاً تی در باب گرانی و گرانی و علس و اثرات آن بر جامعه انقلابی - و علس

**در این شماره**

**یادداشتی سیاسی**

- I "خود کفائی"
  - II جنایتکار کیست؟
  - III برونج سرگردان در راه
  - IV هشدار به دانش آموزان
- در صفحه ۲۴

**در تدارک  
قیام ⑤**

**قیام و رهبری**

زهبری "جسمیاسی تدارک قیام را از نقطه نظری شاهنگ بطوعام و علی الخصوص با توجه به شرایط خود ویژه حاکم بر دوران کنونی ایران **بقیه در صفحه ۵**

**قسمت دوم: تدارک نظامی**

تدارک قیام دارای دو وجه مهم پیوسته اساسی است. تدارک سیاسی و تدارک نظامی. در اولین بخش "قیام و

دریائی خروشان می میزند. همه حساب ساز است، سبز سبزه، انواع گل های رنگارنگ همانند ستاره ها از میان سبزه ها سوسو میزند گله گاوهای میت با گامهای سنگین از چرای روزانه بسمت آغولهای آیند. نعره برطنین - نشان در آفاق می پیچد و شوریدگی هستی را اعلام میکند. پائین دست ماری سینه کوه اسبهای کهرشیه زن پامیگوند و به کره های سی وحشی خود **بقیه در صفحه ۱۸**

**گردستان سرزمین  
زندگی و مبارزه**

نزدیک غروب است. غروبشید از لابلای کوههای بلند آهسته پائین میروید. کند مزارع های سرسبز از رود دست همچون

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

### سرمایه گذاری . . .

بقیه از صفحه ۱

وقادریه بنای سیستمی نوین

است .

تجربه قیام ۲۲ بهمن و کسب قدرت از سوی رژیم بورژوازی جمهوری اسلامی نشان داد که چگونه ارتجاع سلطنتی بدست یرتوان تود مهاسرنگون گشت اما از تجللی دیگر مشکل از اقشار متوسط بورژوازی در وحدت باخرد و بورژوازی مرفه دیگر با پوششی مذهبی و اشعارهائی هرچند به ظاهر متفاوت براریکه قدرت نشست و بار دیگر بهمان شیوه های ضد خلقی چه در سیاستهای داخلی و چه در عرصه بین المللی متصل شد . این امر نه بر اساس خواست توده ها که بر زمینه نا آگاهی توده ها بوقوع پیوست . میزان رشد ذهنی توده ها که جد از نقش پیشاهنگ انقلابی نمیتوانست باشد ، ارتجاعی دیگر را بر کارگران و زحمتکشان تحمیل کرد و همین دلیل این ارتجاع نبود که صرفاً نابریتمایلاتش توانست قدرت را قبضه کند و نقش رهبری برجیش باید بلکه این توهم ناشی از نا آگاهی توده ها بود که بر زمینه آن ارتجاع رهبری خود را اعمال نمود . طبیعی بود که چنین رژیم بنابر ماهیت طبقاتی خود رسالتی جز بازسازی سیستم پیشین نمیتوانست داشته باشد .

شاید در آن روزها که شور قیام و بیروزی بر ارتجاع سلطنتی توده ها را فریخته بود معنی و مفهوم تداوم سیاستهای رژیم گذشته توسط رژیم جمهوری اسلامی برای مردم محسوس و ملموس نبود و ویژه شعارهای فریبکارانه " ضد امپریالیستی " رژیم اعمال جنایتکارانه اش را تحت الشعاع قرار میداد . از زمره این سیاستها و از جمله مهمترین آنها که مورد بحث مقاله است حفظ اسرار بازرگانی و پنهان داشتن قرارداد های اسارتی با امپریالیستی بود که هدف و مقصود مسی جز ادامه و تداوم همان قرارداد ها را نمیتوانست داشته باشد اما امروز پس از نزدیک به ۵ سال از گذشت قیام ۲۲ بهمن و سرنگونی رژیم گذشته ، رژیم جمهوری اسلامی تمامی پرده های تزویر و ریاکاریها را افکنده و با وقاحتی وصف ناپذیر رسماً از تجدید قرارداد های امپریالیستی سخن میگوید و آنرا تحت عنوان : " طرح جدید سرمایه گذاری خارجی در ایران بر اساس انتقال تکنولوژی " ( اطلاعات ۶۲/۵/۹ ) اعلام میدارد . دانه اعترافات رژیم بهمین جا خاتمه نیافته بلکه پارافراتسرها در نهاده و مشخص میسازد که طی ۵ سال گذشته ۱۸۰ شرکت امپریالیستی همچنان

بفعالیت خود ادامه داد و دسترنج توده های زحمتکش را بتاراج برد و اندو گویا اینک قرار است این شرکتها فعالتر شوند که در اس این شرکتها از لحاظ میزان سرمایه و این و از لحاظ تعداد ، امریکا قرار دارد و سپس انگلیس و فرانسه و ایتالیا و دیگر کشورهای اروپای غربی قرار میگیرند .

البته رژیم برای خالی نبودن غیرضد و شوکه نشدن عقب مانده ترین موهمین ، هدف رژیم جمهوری اسلامی از ادامه غارت - امپریالیستی را صرفاً " کسب تکنولوژی و دانش فنی آنها " قلمداد میکند . نگاهی به سیاست رژیم در مورد چگونگی فعال کردن این شرکتها ، خود بیانگر ماهیت رژیم است که جز به استعمار خلق نمی اندیشد .

رژیم پس از تلاشهای بسیار و پرداخت غرامتهای گزین ازجیب توده های زحمتکش موفق گشته است امپریالیستهارا متقاعد سازد که بفعال کردن هر چه بیشتر شرکتها خود بپردازند . تنها ناگاهی به میزان پرداخت غرامت در مورد پروژه پتروشیمی به ژاپن نشان میدهد که حتی میزان غرامت چندین برابر تعیین شده در قرارداد و در برگیرنده سود های سرشاری است که میبایست در این طی چند سال گذشته به دست میآورد که بعلمت توقف پروژه منفی شده بود . رژیم نه تنها در مورد شرکتها و این چنین بدل و بخششهای نمود بلکه با اعزاز هیئتی به امریکا و پرداخت غرامتهای هنگفت به انحصارات امپریالیستی آنان را نیز متقاعد به ادامه فعالیت نمود . اما گویا در قلموس جمهوری اسلامی ، پرداخت غرامت های عظیم به انحصارات بین المللی و در روزگی از آنان برای ادامه فعالیتشان سرمایه گذاری محسوب میشود .

اما این نه سرمایه گذاری خارجی که پولهای غارت شده و خلقهای ایران است که از طریق فروش ارزان بی رومه نفت تقدیم امپریالیستها شده است تا آنان را در آرزای این باج دهی به فعال کردن شرکتهاشان وادارد . رژیم بر این تصورات که با فعال نمودن شرکتهای امپریالیستی ، قادر خواهد بود بر بحران عمیق اقتصادی - سیاسی فائق آید و از طرفی چنین وانمود سازد که گویا از انجمن ثباتی برخوردار است که امپریالیستها حاضر سرمایه گذاری در ایران شده اند و حال آنکه حتی کوچکترین محموله کالاهای امپریالیستی قبل از دریافت نفت و یا ارز لازم اجازه صدور به ایران نمی یابند . اما اینک حتی در این حد که با پرداخت غرامتهای گزاف و حراج منابع عظیم داخلی ، امپریالیستها حاضر به همکاری با رژیم بی ثباتی چون رژیم جمهوری اسلامی شده اند خود مرهون خدمات ارزنده ایست که رژیم حاکم در جلب آنان بانجام رسانده است .

از یکسو رژیم برای اثبات سرسپردگی خود طی ۵ سال حکومت ننگینش با توسل به فاشیستی ترین شیوه های ممکن به سرکوب سازمانهای انقلابی مدافع کارگران و زحمتکشان و سرکوب توده های ستمدیده ای که باشکستن توهمنان نسبت به رژیم به مبارزه انقلابی روی آورده اند و سرکوب خلقهای قهرمان کرد ، ترک ، ترکمن ، بلوچ و عرب دست زده است و علاوه بر آن با کسب به ارتجاعی ترین جنبشهای منطقه سیاست ایجاد " کمربند سبز " مورد علاقه امپریالیزم را به پیش برده است و از سوی دیگر با گسترش مناسبات اقتصادی سیاسی نظامی با کشورهای تحت سلطه امریکا نظیر ترکیه و پاکستان تحت پوشش کشورهای مسلمان و همسایه ، میزان خدمت گذاری خود را به امپریالیزم نشان داده است .

بی جهت نیست که در کنفرانس ویلیامز بزرگ سران ۷ کشور امپریالیستی تصمیم به حمایت از رژیم ایران میگیرند و ژاپن پیشبرنده سیاست فوق میگردد . یعنی امپریالیزم امریکا در پوشش ژاپن وارد ایران میگردد . زیرا که امپریالیزم امریکا و انگلیس انقدر در از هان توده ها رسوا شده اند که بلحاظ ملاحظات سیاسی حاضر نیستند حضور مستقیم یابند اما امپریالیزم ژاپن هنوز آنطور که باید برای مردم افشاشده است . هنوز بخش وسیعی از توده ها در نیافته اند که شرکتها چند ملیتی وطن نمیشناسند و سرمایه مالی در سطح بین المللی از هر طریق که وارد حوزه سرمایه گذاری شود ، سود های سرشار آن بجنب انحصارات بین المللی سرانبر میشود و این میان چه کارشناسان و مستشاران ژاپنی سازمانده این استثمار باشند و چه تکنوکراتهای امریکائی یا اروپائی و باید و ن حضور کارشناسان بطور مستقیم این استثمار سامان یابد مسئله حذب ارزش - اضافی از هر طریق ممکن برای امپریالیستها مطرح است . حال اگر همچون طرح اخیر خود سرمایه نیز از طریق پرداخت غرامتها یعنی ازجیب توده های زحمتکش باشد منافه امپریالیزم صد چند ان تامین میگردد اما نکته دیگر قابل بحث مسئله اعلام رسمی این خبر از سوی رژیم است .

شاید اعلام رسمی این خبر بیخبرانه حرکت جدید و مستگیری علنی و عریان و بیخوشی در سیاستهای اقتصادی رژیم برای اندسته از عناصری جلوه کند که مسائل را در سطح می بینند حتی در این میان اگر چند عنصر حجتیهای از کابینه خارج نمیشدند جریاناتی نظیر حزب توده و اکثریت قویانرا " سیاست جناح حجتیه " میخواندند و با جریانات معتقد به " شکست انقلاب " آنرا فاشیستی در جهت اثبات تحلیلهای بی محتوای خود منی بسر تثبیت رژیم می یافتند . اما واقعیت اینست که اولاً این حرکت بقیه در صفحه ۹

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



### آلترناتیو...

بقیه از صفحه ۱

درجه دومی که بنابه خصلت طبقاتی اش نسبت به جنبش انقلابی و مستقل بوده و با سازماندهی آن تاکنون داده و بهیچوجه نتوانسته است در این حرکتها نقش مهمی ایفا کند. ویژگی خودبخودی بودن حرکتهای اعتراضی و نبود پادشاه مفرط عنصر پیشرو در این حرکتها، بنحوی بارزی مشهود و عده است.

علیرغم اینها، جنبش کارگران و زحمتکشان میهن ما هر روز گسترش بیشتری یافته و تداوم بخش انقلاب است. این روند بسر بستر بحران شدید اقتصادی که از اواخر رژیم شاه دامنگیر سیستم سرمایه داری - وابسته ایران گردیده و هر روز به روی آوری - توده های وسیعتری بحارزه منجر میگردد. بحرانی که بسبب سیاستهای اقتصادی متناقض جناحهای حاکم و نیز ضرب جنبش انقلابی، پیچیده تر شده و بطرز کم نظیری به حیات خود ادامه میدهد و امروز ابعاد بسیار وسیعی بخود گرفته است. جنگ ارتجاعی نیز ضربات هولناکی به اقتصاد کشور وارد آورده است و از این رو چنانکه بارها گفته ایم (و در اینجا مجال تحلیل دقیق آن نبوده و اینکار مستلزم برخورد جد آگاهانه است) تحت رژیم کنونی حیات بحران ممکن نیست متحقق شود. امکان هرگونه رفاهی که مجال تثبیت برای این رژیم را با همین ترکیب فراهم آورد منتفی است و همانطور که در "حرفه های انقلاب" گفتیم سیاستهای سرکوبگرانه رژیم نیز تدریجا به ضد خود بدل میشود.

این وضعیت یعنی عجز رژیم در حسل بحران و در سرکوب جنبش توده ای، تصویری بجز سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان محتفل ترین چشم انداز، ترسیم نمیکند. مسئله ای که خود سردمداران حکومتی نیز در اینها و آنجا با احتیاط اعلام کرده و هشدار داده اند. هشدار از رژمی که توده ها بخوابانها بریزند و همه چیز به پایان رسد.

در این میان تداوم بحران، طلب همه اویگیری جنبش و ضربات کوبنده کنونی آن شدت یابی تغاد های دورنی رژیم بر این بستر نیز یاد آور فرارسیدن محسوم ریزی است که "طبقات پائین نخواهند به

طریق سابق بزندگی ادامه دهند و طبقات بالا هم نتوانند"، "خواست رونج طبقات تحت ستم از حد معمولی خارج نشده"، "فعالیت توده ها بطور قابل ملاحظه ای افزایش یابد و در زمان تلاطم بوسیله همه شرایط بحران و بوسیله خود طبقات بالا بعمل مستقل تاریخی کشیده شوند". (۱) - معبارت دیگر موقعیت انقلابی فرا رسد و آمادگی عوامل عینی برای يك انقلاب رارقم زند. البته ماهنوز تا آمادگی نام و تمام این شرایط و وصول کامل به این مرحله فاصله داریم ولیکن چشم انداز محتمل بغیر از این نیست. موضوع حائز اهمیت، آمادار اینجا اینستکه فرارسیدن موقعیت انقلابی (موقعیتی که بدون فرارسیدن آن انقلاب غیر ممکن است) با آمادگی عوامل

ذهنی (آمادگی قدرت طبقه انقلابی برای به انجام رساندن عملیات توده ای انقلابی) برای متحقق کردن انقلاب پیروزنده همزمان و تکمیل خواهد شد یا نه؟

اینکه بدانیم رژیم کنونی محکوم به فساد است (چه نوع فساد و تاچه حد؟) - مسلما مهم است ولی معتریاخ به این پرسشهاست که:

آیا بطرف سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و بطور کلی پیروانی از - آرکه قدرت پیش میروم؟ آیا ادامه قیام پیروز مندی که این سرنگونی انقلابی رارقم زند، تا بد انجام خواهد رسید که آلترناتیو پرولتاری در این مرحله از جنبش (جمهوری دموکراتیک خلق) راهپایه ریزی کند؟ یا اینکه باز هم جریاناتی دیگر از راه رسیدگانی دیگر، از تحولات انقلابی و قیام صلح توده ها بهره خواهند جست، بوسیله جنبش سوار شده و در حالیکه کارگران و زحمتکشان در خیابانها در کارخانه ها، در روستاها و... فد اکارانه بیکار میکنند و جان بی بازند، دزدانه و آرام بقدرت خواهند خزند و باز هم انقلاب نیمه کاره خواهد ماند؟ آیا آلترناتیوی چون به اصطلاح "شورای ملی مقاومت" بفرض - دست یافتن بقدرت، امکان تثبیت دارد؟ آیا بن بست قدرت رژیم جمهوری اسلامی، بمعنای بن بست کل پیروانی تحت همه و هرگونه شرایط آتی است و آیا کودتا احتمالی منتفی شده است؟ و...

مسئله سوالات فوق اهمیت فوق العاده خطیری برای يك کمونیست دارند. برای کمونیستی که نه فقط قصد تحلیل و تفسیر اوضاع بلکه مصمم به تغییر دادن آنست. نه چون تماشاگری بی تفاوت، بل چون رزمنده ای بیکر در راه آرمان کارگران و زحمتکشان. به یقین يك کمونیست در -

دوران انقلابی که روند تحولات سمت يك موقعیت انقلابی فرامیرود، میبایستی آلترناتیو پرولتاری خویش را بنخواهد و برای آن کار کند. در این ننگه هیچ چون و چرایی مجاز نیست. اما کمونیستی که تنبایه ایده ها و اهداف انقلابی و سوسمال دموکراتیک فکر کند ولی از تجزیه و تحلیل دقیقاً مشخص اوضاع سرپااززند و از سنجش عوامل عینی روز هنی له علیه مبارزه ای که در راستای آن اهداف در جریان است و محاسبه توان سازمان و حزب خویش و طبقه ای که نمایندگی اش را اعداد دارد، طفره رود، اصولا يك کمونیست نیست. يك خرد و بیروای ایده آلیست است و چنین نحوه برخورد به مسئله بهیچوجه نمیتواند روش کار ما قرار گیرد (اگر میخواهیم کمونیست باقی بمانیم) از این رو ما تجزیه و تحلیل مشخص خود را از بررسی آلترناتیوهای مطرح شده توسط جریانات سیاسی طیفی تصرف قدرت، آغاز میکنیم.

چنانکه گفتیم، مسئله مهمی که همه بآن باور دارند، چه سلطنت طلبان ضد انقلابی و چه کمونیستها سایر انقلابیون راستین، سرنگونی جمهوری اسلامی، به عنوان محتفل ترین چشم انداز است.

اما، در قبال چگونگی این سرنگونی و آنچه (آن حکومتی) که باید جای این رژیم را بگیرد در راه حلهای گوناگون ارائه میشود. در حقیقت اگر میخواهیم محتفل ترین آلترناتیو - ها را کاتالیزه نمائیم در یکی ترین خطوط مادر اینجایا سه راه حل یا آلترناتیو که توسط گرایشات طبقاتی مختلفی پیش کشیده شده (و البته الزام بمعنای این نیست که هر سه راه حل، امکان تثبیت کامل داشته باشند) مواجهیم:

- الف - آلترناتیو ضد انقلاب سلطنت طلب ( مغلوب و در جریان توخان انقلابی و قیام ۵۷ ) و ضد پنهان.
- ب - آلترناتیو با اصطلاح "شورای ملی مقاومت".
- ج - آلترناتیو پرولتاری ( جمهوری دموکراتیک خلق ) .

این سه آلترناتیو سه راه حل، در واقع در مقابل بن بست قدرت رژیم جمهوری اسلامی مطرح هستند و راه برون رفتن را از بن بست کنونی و بحران جامعه و نشان میدهند و با عبارت صحیح تر میخواهند نشان دهند. هر يك از سه راه حل مذکور، چنانکه گفتیم منبعث از خط مشی طبقاتی مشخصی است و میتوان گفت مادر مجموع با سه خط مشی ( یا بظا هر یاسه خط مشی) روبرو هستیم خط مشی پیروانی بزرگ سلطنت طلب، خط مشی

## کمپنه های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

### اتحاد لیبرال - دگرانیک و خط منی پروتاریس

#### الف - خط منی و آترناتیو ضد انقلاب سلطنت طلب مغلوب

این جریان اساساً مشکل از بیروازی بزرگ، امرای ارتش، ساواکیها و سایر عوامل رژیم گذشته است که در جریان سرنگونی رژیم شاه از قدرت بیزرافتاد و از ابتدا اوسط مشخص در مقابل انقلاب (بنابه ماهیت خوش) ایستاد و تمام توانش را در سرکوب جنبش انقلابی توده ای بکار گرفت و در این راه نقطه اتکانش ارتش و بوروکراسی بود عواملی که بعد هائیکه تصمیمات کفرانگس گواوالوب و مخاطر جلوگیری از ادیکالیزاسیون جنبش انقلابی سال ۵۷ و در شرایطی که امکان دست زدن به کودتا و سرکوب کامل جنبش غیر عملی تشخیص داده شد، به سازش با "رهبری" خرده بورژوا - بورژوازی جنبش تشویق شد تا زمینه انتقال قدرت به آنها را بنظر بدست آوردن رنگ تنفسی برای تجدید قوای ارتش فراهم سازد که قیام سلحانه مجانشانند از ضربات مهمی به

ارتش و بوروکراسی وارد آورد و جنبش را از دستاوردهای مستحکم نرو پایگاههای ارزشمندتری جهت تدایم انقلاب علیه رژیم جمهوری اسلامی و علیه بیروازی بزرگ سلطنت طلب برخوردار ساخت. بیروازی بزرگ سلطنت طلب در حقیقت از همان هنگام بطرق مختلف، نفوذ در ارگانها و نهادهای حساس حکومتی و بویژه تلاش در بازسازی کامل ارتش برای ایفای نقش بیشتر در حیات سیاسی کشور را هدف خود قرار داد و حتی چندین بار (از جمله نوه)

نیروی خود را برای کسب مجدد قدرت مورد آزمایش قرار داد که البته به توفیق دست نیافت و همین عدم موفقیت ها آنان را به ضرورت تلاش برای بازسازی بیشتر ارتش متوجه ساخت. جنگ ارتجاعی (علاوه بر مزایای دیگری که در توسعه زمینه گسترش امکانات مداخله امپریالیست در حیات سیاسی و اقتصادی جامعه داشتند) بهترین کمک را به آنان در راستای این هدف نمود. تمامی کوشش این جریان در این جهت قرار داده شده تا ضمن همکاری با رژیم خمینی برای سرکوب کمونیستها و سایر انقلابیون (از طریق ارتش و نیروهای انتظامی، عوامل ساواک و...) در همین حال بر سرترشد ناراضی توده ها نسبت به رژیم کمونی هرج و مرج و ناامنی موجود و خود را مطرح سازند و رژیم شاه را در آن زمان زنده کنند. اما از آنجا که طرح آترناتیو این جریان مستلزم عدم وجود

جنبش توده ای انقلابی است و آنان از تمامی وسایل ممکن بویژه از طریق تبلیغات گسترده را در پوها و بخش شایعات و... تلاش میکنند نوبی خودی تقاتی سیاسی رابه توده ها القا و بر آنها حاکم گردانند. شایعات متعدد در مورد تغییر رژیم در ظرف دو ماه دیگر (دو ماهی که نزدیک به چهار

### آترناتیو...

بقیه از صفحه ۳

سال است دوام یافته!)، "توسیع" پیوسته های رضای طلبی در شهرها و محاسبات ن به دیوار" و "هواگردن بالن" اعلامیه سلطنت طلبی!، "عملیات صلحانه ایوسی و آریاناو... در غرب کشور" و دست آخر تعریف در زمین شعارهای توده ها در مبارزاتشان بنفع شمارهای سلطنت طلبی (نمونه افسیه) و... (که خود رژیم نیز برای تخطئه جنبش توده ای و - مبارزات انقلابی توده ها به - انبساط امن میزند) همه و همه در راستای بخانه بازگرداندن توده ها از عرصه مبارزه و ایجاد انتظار تغییر از بالا (کودتا و...) و مکانیزمی جاری از حرکت مستقل سیاسی توده ها است تا فضا بدین وسیله از نیروی زمینه های رشد نیروهای کمونیست و انقلابی نیز جلوگیری گردد. البته هرچند که این جریان عمدتاً به راه حل کودتا بعضی اطمینان از دستجایی به نیروی سرکوب لازم جهت به اجرا گذاشتن آن و همچنین افول روحیه مبارزه جوی در توده ها، گرایش دارد ولیکن به هیچوجه راه - حل های دیگر در جهت افعال نفوذ بر حیات جامعه از هر طریق ممکن (در صورت عدم امکان دستهای کامل بقدرت) را برای خود نخواهد بست.

بهررو طیف رنگارنگ این رژیم بیروازی بزرگ مغلوب را بعنوان در چهارچوب همون آترناتیو دسته بندی کرده خواهان بازگشت به عقب، احیای "نظم" بورژوازی گذشته بر بستر روابط سرمایه داری وابسته یعنی سرکوب عریان، حاکمیت مطلق

بیروازی بزرگ و انحصارات امپریالیستی تحت عنوان حمایت از "قانون اساسی ۱۹۰۶" و برقراری سلطنت مشروطه است پیبوده نیست که تمام فشار آمریکا و سایر امپریالیستها در جهت متعذر کردن این طیف رنگارنگ (هرچند در اساسی مشترک النظر) برای دفاع از این آترناتیو بوده و بهمین طریق فریبکاران کهنه کار و حرافسی چون شاپور بختیار (مرغ توفان!) از - "توفان" آترناتیو - سوپال دگرانیک

خود دست برداشته و با اعضای بیانیسه مشترکی بلعلی امینی با "جلب حمایت از شهائو! فرح و کوشش رضا! پهلوی تنها راه" "نجات" "ملت" "ا" و "امداد"

"شرف و حیثیت و اعتبار! آتراد را حمایت سلطنت و برقراری حکومت سلطنت مشروطه دانسته است. البته باید توجه داشت که بیروازی بزرگ، همانطور که گفتیم تنها بر روی شکل سلطنت برای تصرف قدرت مجدد حساب نمیکند ولی این شکل را ترجیح میدهد.

### ب - خط منی لیبرال - دگرانیک و آترناتیو شورای ملی مقاومت

در یک روند جدایی و دور شدن نمایندگان سیاسی دگرانیکهای خرده بورژوا (مجاهدین خلق) از دگرانیکم انقلابی که ناشی از ناپیکری طبقاتی خرده بورژوازی در ارائه یک خط منی پیکرو مستقل در - اقتصاد و سیاست است و بر سرترضعف جنب انقلابی (کمونیستها) و در راستای آن سازمان ماکه از خود توانائی لازم جهت جذب خرده بورژوازی را بسوی خود بروز نمیدان (ضررات مهلك اپورتونیستهای اکثریت را تجربه میگرد) و نزدیکی دگرانیکهای خرده - بورژوا (مجاهدین) به بورژوازی لیبرال (بنی صدر و شرکا) بیشتر و بیشتر شده. و سرانجام "میثاق" این دو بصورت "اتحاد شورای ملی مقاومت شکل گرفت. "میثاق" که در پیام مورخ ۲۰/۴/۳۰ رجوی، رهبر مجاهدین، بعنوان "برنامه شورا" و برای

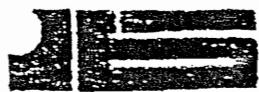
"نجات" "استقلال" "آزادی و جمهوری اسلامی" تلقی گردیده، در حقیقت یک برنامه بورژوازی رفوژیستی بود و چنانچه از من آن - نیز بر می آمد چیزی جز یاره ای اصلاحات بورژوازی در چهارچوب نظام موجود نبود و فقط یک شلوایه علیه تخطی مقامات رژیم از قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی و نه نفی خود این قانون و رژیم، بشمار میرفت. پیبوده نبود که در سر اسر میثاق ۱۱ ماده ای حتی یک مورد نیز بکارگران و دهقانان ایران اشاره نشده و از خواستهای برحق آنان سخنی در میان نبود. بجز رو - برنامه اولیه و سنگ بنای "شورا" انقدر

رسوای بود که بسرت طی صاحب هائسی، اصلاحاتی بر میثاق از سوی رجوی اعلام شده. اصلاحاتی چون "لغو قانون اساسی خمینی" و اضافه کردن کلمه "دگرانیک" بعنوان جمهوری اسلامی (چه تغییرات مهمی؟! ) پنزله آترناتیو پیشنهادی این "شورا". گرچه در همان صلبه ای که چنین طلبی اعلام گردید، در مقابل این پوشش که قانون اساسی آینده ایران چه وضعی خواهد داشت ایشان "میثاق" بنی صدر را شایسته و تمهین کننده خطوط اصلی این محتوا اعلام نمود! (۳)

سر انجام نیز در بی انتقادات و رسوائی بیشتر، برنامه دولت موقت جمهوری دگرانیک اسلامی مطرح گردید که تاکنون و هنوز به عنوان "برنامه آترناتیو" شورای ملی مقاومت مطرح است.

البته بقول لنین به هیچوجه نییایستی برای بی بردن ماهیت یک جریان (غیر پرولتاری) بگفتارها و آن چیزی که خود این جریانات میکنند باورد است و با برنامه هایی که گاه بگاه مطرح میکنند و میتوانند بسبب است و با یک چرخش قلم سخن قبلی را تغییر دهند ولیکن ارزهای ما از آترناتیو "شورا" حتی بر اساس بررسی همین "برنامه" اعلام شده خودشان





### قیام و . . .

بقیه از صفحه ۱

بررسی کردیم. تدارك نظامی قیام نیز درست بر اساس همان شرایط و مختصات که در مورد تدارك سیاسی قیام مطرح نمودیم استوار است. اصولاً تفکیر تدارك قیام به سیاسی و نظامی، آنگونه که ما در اینجا برای بیان مطلب انجام داده ایم، در عمل مبارزاتی بطور مشخص مبرر نیست. این دو وجه از تدارك قیام نه بصورت مجزا و کاملاً مستقل از هم، بلکه در رابطه مستقیم و مشخص با یکدیگر و نیز در هم آمیخته با یکدیگر و بر اساس قانونمندی های حاکم بر مبارزه طبقاتی قابل تبیین و اجراست. اگر در هنگامه برپایی قیام مسلحانه، عملیات نظامی پیشاهنگ و توده ها به عامل سلط و تعیین کننده بدل می شود و از اینرو تدارك نظامی اهمیت و درجه تعیین کنندگی خود را در سرنوشت قیام ملموس میازد. اما همواره در طول پروسه تدارك قیام، لزوماً وجه نظامی تدارك دارای نقش سلط و تعیین کننده نیست. رابطه بین این دو وجه و اهمیت نسبی هر یک، در هر دوره از دوران تدارك قیام، متوجه است بسه مشخصات و مرحله تکاملی جنبش انقلابی توده ها و اصولاً تدارك قیام هیچ معنایی نمی تواند داشته باشد بجز شرکت در این جنبش انقلابی و حرکت در جهت ارتقاء در رهبری آن.

قیام مسلحانه نقطه اوج جنبش انقلابی توده هاست، تدارك مبارزه سیاسی بشکلی دیگر و عالی تر است. اگر احتمال وقوع استثنائات را بکنار بگذاریم، علی القاعده بدون گذار از این شکل عالیتر مبارزه سیاسی، یعنی قیام مسلحانه، سرنوشت رژیم کهن ناممکن است. تفاوت بین انقلابیون کمونیست و اپورتونیست ها هم از نقطه نظر بحث حاضر به همین مسئله بر میگردد. انقلابیون کمونیست با تکیه بر قاعده و اپورتونیستها با تعمیم استثنائات احتمالی که تاکنون هم وقوع نیوسته است، تاکتیکهای خود را در پیشبرد

جنبش انقلابی توده ها بعمل در میآورند. اما انکار ضرورت قیام مسلحانه در همه موارد به همین صورت بی پرده بیان نمی شود. نوع پوشیده اپورتونیسم، ضرورت قیام مسلحانه را منکر نمی شود، اینان با بیان اینکه بهر حال و در نهایت قیام مسلحانه ای هم بوقوع خواهد پیوست، بظاهر صف خود را از صف اپورتونیستهای علنی جدا میازند. اما در واقع امر جنان قیام را به امری انتزاعی و مربوط به فردا های دور مبدل میازند، که به هیچ اقدام و تدارك فوری و علنی در راستای برپایی قیام مبادرت نمی ورزند و با آنرا ضروری تشخیص نمی دهند. وبدین ترتیب اینان در عمل، صرفنظر از گفتارهای اتشمن در مورد نقش قهر در تاریخ و یا حتی صرفنظر از نیت واقعی، در کنار اپورتونیست های علنی قرار میگیرند. اکنون نیروهای سیاسی معتقد بسه شکست انقلاب صرفنظر از هر برهان و دلیلی و نیز هر نیتی عملاً در زمره و جایگاه این جریان اپورتونیستی قرار دارند.

قیام مسلحانه نقطه اوج جنبش انقلابی توده هاست و از این جهت نمی تواند صرفاً به معنای عملیات نظامی باشد، لیکن اگر قیام را حتی فقط از همین جنبه صرفاً نظامی نیز بررسی کنیم، عملی فی البداهه و بی نظم نیست. بلکه تدارك مبارزه طبقاتی در دوران انقلابی است که در لحظه مناسب (لحظه قیام) بنا به قانونمندی هایی که قابل شناخت و پیش بینی است، می تواند به وقوع بپیوندد. تفاوت بین رهبری انقلابی و جنبش خود بخودی توده ها هم در همین موضوع نهفته است. توده ها علی مبارزات خود و از طریق تجربیاتی که در عمل مبارزاتی کسبی کنند به ضرورت اعمال قهر انقلابی و برپایی قیام آگاه میشوند. رهبری انقلابی با آگاهی از این ضرورت و تبلیغ این ضرورت بین توده ها برای روزی که نبرد مسلحانه قطعی با ارتجاع فرا میرسد به تدارك میبرد از نبرد.

از نقطه نظر پیشاهنگ پرولتاریا و نیز هر نیروی انقلابی که بتواند به قیام به مثابه یک فن، یک هنر، بخرد، تدارك نظامی به معنای اقدام به عمل مسلحانه قطعی به

منظور بر انداختن فوری و بلاواسطه رژیم کهن نیست. تدارك نظامی و عملیات نظامی خود در ارتباط با تدارك سیاسی و مبارزات سیاسی است و در کل پروسه تدارك قیام عمدتاً تابع الزامات تدارك سیاسی میباشد. این نقش تبعی به هیچ وجه مؤید نفی یا کم اهمیت بودن این جنبه از تدارك قیام نیست، بلکه تنها قانونمندیهای حاکم بر آن را عیان ساخته و یا شناخت از این نقش تبعی و این قانونمندیها امکان ظهور انحراف به "چپ" و راست را در تاکتیکهای دوران تدارك قیام تقلیل میدهد.

در اینجا اشاره به دو نکته در مورد چگونگی تدارك نظامی از یکسو و همچنین اهمیت نسبی آن در لگ پروسه تدارك قیام از سوی دیگر ضروری مینماید: اولاً تدارك نظامی صرفاً به عملیات نظامی محدود نمیشود. عملیات نظامی فقط بخشی از تدارك نظامی را تشکیل میدهد. اینکه عملیات نظامی به چه میزان، با چه درجه ای از پیشرفتگی، چگونه و با چه مضمونی از سوی پیشاهنگ و نیروهای انقلابی باید بر مرحله اجرا در آید، به مختصات جنبش انقلابی توده ها در هر لحظه مشخص و بر این مبنایه وظیفه امر رهبری در جهت ارتقاء جنبش توده ها در راستای قیام و برپایی قیام بستگی تام و تمام دارد. پیشاهنگ تاکتیکهای مبارزاتی از جمله عملیات مسلحانه را اختراع نمیکند بلکه با غور در جنبش توده ها، وضعیت خود ویژه جامعه، جمع بندی از تجربیات، تعمیم این تجربیات به موارد قابل تطبیق و پیش بینی وضعیت و حرکت جنبش از طریق علنی به اتحاد تاکتیکهای مشخص دست می یابد. اتخاذ هر گونه تاکتیک، از جمله عملیات نظامی به مثابه بخشی از تدارك نظامی قیام که بر مبنای شرایط پیش گفته شده استوار نباشد، می تواند یا به انزوای پیشاهنگ و نیروهای انقلابی منجر شود (تاکتیکهای "چپ")، و یا پیشاهنگی به مثابه نیروی عقب مانده از حرکت تکاملی جنبش از پس توده ها و یا در بهترین حالت در کنار آنها به پیش رود (تاکتیکهای راست) و در هر دو حالت امکان رهبری انقلابی بر جنبش زایل شود. از این جهت



تاکتیکهای نظامی  
به مناسبت بختی از تدارک قیام باید  
بر مناسبت شرایط بهر گفتم شده  
و با کمال دقت، حساب شده و  
برنامه ریزی شده اتخاذ شود.

### قیام و . . .

بقیه از صفحه ۵

مثال دخالت امپریالیسم در ویتنام  
السالوادور، نیکاراگوئه و . . .  
سبب شده است که قبل از آنی که  
انفجار توده ای به شکل قیام  
سلححانه سراسری خود را بنمایاند  
دوره ای از جنگ سلححانه طولانی  
مدت را اجتناب ناپذیر گردانند.  
و یا اکنون در کردستان بر زمینه  
مسئله ملی، و بدون اینکه شرایط  
در سایر نقاط ایران برای مسلط  
شدن عملیات سلححانه سر  
سارزات توده ها فراهم شده باشد  
جنگ سلححانه شکل اصلی  
سارزات را تشکیل دهد.

پس پیشاهنگ موظف است که در  
دوران تدارک، عوامل بالقوه مؤثری  
که سارزات توده ها را احاطه  
کرده و تحت شرایط خاص می تواند  
بالفعل شده و شکل اعمال قهر  
را تحت تاثیر قرار دهد، بحساب  
آورده و برای آن مهیا شود. بجز  
این، اما، تجربه سال ۵۷ تا  
قیام بهمن ماه و از آن پس تا  
کنون می تواند در وجه عمده  
مؤید این موضوع باشد که تا قبل  
از لحظه قیام سارزات سیاسی (در  
وجه عام) بر نظامی مسلط خواهد  
بود. تدارک نظامی به تبع و حول  
تدارک سیاسی جریان خواهد  
داشت.

اکنون تدارک قیام برای سرنگونی  
رژیم جمهوری اسلامی با آنچه که  
در سالهای ۵۶ و ۵۷ میتوانست  
صوت پذیرد از بعضی لحاظ  
متفاوت است و در مجموع در سطح  
کیفی بالا تری قرار دارد. اگر در  
آن سالها توده ها از حساب  
رخوت بار چندین ساله رکود  
سیاسی بر می خاستند و از این  
لحاظ تجربه نزدیک و ملموس از  
سارزه انقلابی بر علیه حکومت را  
دارا نبودند، اما اکنون با کوله  
باری غنی از تجربیات، از تظاهرات  
قهر آمیز گرفته تا جنگ و گریز،  
سنگربندی خیابانی، دفع قهر  
آمیز تهاجمات نیروهای سرکوبگر  
و . . . و بالاخره قیام  
سلححانه، مترصد فرصت مناسبند.  
اکنون بر بستر کشاکش انقلاب و

این عملیات نظامی  
پیشاهنگ مسلح نیست که میتواند  
و باید مبارزه فعال توده ها را  
برای قدرت بر انگیزاند، بلکه  
انگیزه های عظیم انقلابی توده  
های تارگر است که باید عملیات  
نظامی واحد های پیشاهنگ را  
تحریک نماید. پیشاهنگ باید  
در نتیجه انگیزه های انقلابی  
توده ها دست به عمل بزند  
( بر طبق نقشه ای قبل از هر  
جهت روی آن کار شده). عامل  
نظامی صرف هر نقشی هم که  
در قیام داشته باشد، با این  
همه از این نقطه نظر، یک نقش  
ثانوی است. انگیزه های عظیم  
انقلابی توده ها باید پایه  
اجتماعی، ستون اجتماعی و  
سیاسی را برای عملیات نظامی  
متهرانه، پرشور و قاطعانه  
واحد های پیشروی پرولتاریای  
انقلابی که مصمم به خرد کردن  
ماشین حکومت پهلوزوازی است  
تشکیل دهد. ( قیام  
سلححانه، از اسناد کمیترون )

ثانیا آنچه در اینجا در مورد  
نقش و اهمیت نسبی تدارک نظامی  
و عملیات نظامی تصویر شده و می  
شود تنها در چهارچوب خطوط  
عمومی و بدون احتساب عواملی  
است که بر شکل بروز قهر تاثیر  
میگذارد. تحت این شرایط آنچه  
که متصور است نقش مسلط تدارک  
سیاسی و مبارزه سیاسی بر تدارک  
نظامی در کل پروسه تدارک قیام  
است. اگر چه این تسلط بنا به  
جگونگی جنبش انقلابی توده ها  
خود نیز دستخوش تغییرات کمی  
میکردد و با فرا رسیدن لحظه  
قیام عملیات نظامی بر اساس آنچه  
که در " فن قیام " بیان گردید به  
عامل مسلط جنبش انقلابی بدل می  
شود، اما عوامل متفاوت می توانند  
بر جگونگی این روند موثر واقع  
شوند. مثلا در مقاله " نقش قهر  
و اشکال قهر " بوجود این عوامل  
تأثیر مستقیم ملی، دخالت امپریا  
لیسم و غیره و نیز جگونگی مؤثر  
واقع شدن این عوامل بر شکل  
بروز قهر برخورد کردیم. بعنوان

ضد انقلاب، بر بستر نفی همگانی  
و قطعی رژیم جمهوری اسلامی  
و یا توده به تحریکات حاضر  
و آماده توده ها در مقاله  
نیروهای سرکوبگر، غلبان خشم  
توده ها لزوما نه با گذراندن  
مراحل مقدماتی طولانی مدت  
بلکه بصورت انفجار های متوالی  
و فراروشی سریع سارزات به قیام  
سلححانه کاملا محتمل است. این  
احتمال قریب به یقین نمی تواند  
بر تاکتیکهای عمومی پیشاهنگ به  
ظهور کشد و در این محث شخصی  
بر جگونگی تدارک نظامی تاثیر  
ندارد. علاوه هم اکنون بحران  
انقلابی آنچنان حاد است و  
بخصیت جامعه در چنان حالت  
انفجار آمیزی قرار دارد که همه  
یا اکثریت قریب به اتفاق اعتراضات  
سارزات، حرکتها و تضادها با  
اعمال قهر صورت میگیرد. در کار  
خانه و مزرعه، در محله و خیابان  
و در همه جا قهر به انواع گوناگون  
رخ مینماید. قهر تا بد آنجا به  
بستر تاخته است که جناحهای  
درون حاکمیت نیز از طریق آن  
مغری برای حیات می یابند: برخورد  
های سلححانه دسته های رقیب  
در اصفهان و فلاورجان، انفجار  
در انبارهای مهمات سپهسالار  
پاسد اران و . . .

اکنون قهر بی پرده و عریان جز  
زندگی روزمره توده ها شده است.  
اعم از قهر انقلابی که در اینجا و  
آنجا بوقوع می پیوندد و یا قهر  
ضد انقلابی ارتجاع که جامعه را  
در خود فرو برده است. شاید در  
کمتر زمانی از تاریخ اخیر ایران نقش قهر  
برای توده ها اینچنین بی پرده  
و ملموس بوده است. تنها زهر  
می تواند مسائل بزرگ تاریخ را  
حل کند. این حکم دگرگونی  
توده ها تا حد بسیار زیادی  
روشن است. اما این را نیز باید  
متذکر گرد که " زهر سازمان یافته  
در سارزات، امروز به معنای  
سازمان نظامی است. " قهر عمدت  
انقلاب سازمان یافته است،  
ارتش، پلیس، کمیته ها، سپهسالار،  
سین، ژاندارمری و دسته های  
اضطراری حزب الله. در مقابل،  
قهر انقلابی نیز باید حتی الامکان  
سازمان یافته شود.

اکنون حصول به قهر انقلابی  
سازمان یافته سازمان نظامی  
انقلابی . . . بقیه در صفحه ۷

## هر چه کسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای منرفی و انقلابی



### قیام و...

بقیه از صفحه ۶

بدرجات مختلف قهرآمیز نشان داده است. جوخه های رزمی ضمن شرکت در این درگیریهای قهرآمیز خود را برای نبرد بزرگ آتی آماده میسازند. در این باره پرولتاریای آگاه بین المللی نیز بارها تجربیات خود را در موارد مشابه (و نه الزاماً منطبق با آنچه که اکنون در ایران - جریان دارد) تشریح کرده است. پرولتاریای آگاه ایران با تکیه بر شرایط خود ویژه کنونی می تواند و باید بر دستاوردهای بین المللی نیز تکیه بزند. ایجاد تشکیلات نظامی نظیر جوخه های رزمی، نه تنها بر اساس الزامات مبارزه طبقاتی موجود ضرورت وجودی خود را بر نیروهای انقلابی تحمیل میکند، بلکه تجربه های پرولتاریای جهانی در موارد مشابه نیز ضرورت ایجاد سازمانهای رزمنده مشابهی را تأکید میکند. لنین در جزوه جنگ چریکی درباره سازمانهای رزمی سوسیال دمکراتها میگوید:

• کاملاً طبیعی و اجتناب ناپذیر است که شورش باید شکل عالیتر و پیچیده تریک جنگ داخلی طولانی که تمامی کشور را در بر میگیرد بخود بگیرد، یعنی یک مبارزه مسلحانه بین دو بخش از مردم. چنین جنگی قابل تصور نیست مگر اینکه یک سری از درگیریهای بزرگ در فواصل نسبتاً طولانی و تعداد زیادی از برخورد های کوچک در خلال این فواصل صورت گیرد. در این صورت و فقط در این صورت سوسیال دمکراتها باید این را مطلقاً وظیفه خود بدانند که سازمانهایی بوجود آورند که به بهترین نحوی برای هدایت توده ها در این درگیری های بزرگ و تا آنجا که ممکن است در این برخورد های کوچک سازگاری داشته باشند.

در شرایط کنونی جوخه های رزمی آن بقیه در صفحه ۸

اندک ولی به لحاظ سازمانیافتگی در امور نظامی توانست در قیام فعالانه شرکت کرده و در حدود توان خود به سازماندهی و پیشبرد آن بپردازد. ساده انگارانه خواهد بود اگر این تأثیرگذاری را فقط بخواهیم به دسته های منضبط و تعلیم یافته و در عین حال محدود فدائیان خلق خلاصه کنیم. در روزهای قیام دسته های انبوهی از توده های پای به میدان مبارزه مسلحانه می گذارند که متشکل و سازمانیافته نیستند. این توده بی شکل و عمدتاً فاقد آمادگی نظامی درمحول نیروهای متشکل با آمادگی رزمی گرد می آیند و آنان را در عمل به رهبری بومی گزینند. راز موفقیت و تأثیرگذاری فدائیان در قیام در این بی وند بین تشکیلات نظامی (فعلاً به شکل آن نمی پردازیم) و توده های بی شکل بود.

بنا بر این هر نیروی واقعه انقلابی که بر پائی قیام مسلحانه مجدد خلق را پیش بینی می کند نمی تواند در دوران تدارک قیام حدانه برای بسط و گسترش تشکیلات نظامی جهت تربیت کادر های نظامی رهبری کننده قیام (از نقطه نظر فن جنگ، فن قیام) اقدام نکند. ایجاد بسط و گسترش تشکیلات نظامی و تربیت کادر های رهبری قیام وظایفی است که در دوران تدارک نظامی است. بی شک چگونگی تشکیلات نظامی در رابطه مستقیم با شرایط خود - ویژه جامعه قرار دارد. اما این شرایط شکل سازماندهی را تعیین میکنند، و نه ضرورت آنرا در دوران تدارک.

مؤبر مبنای شرایط خود ویژه جامعه، با توجه به عواملی که جامعه را احاطه کرده است، سازماندهی جوخه های رزمی را برای پیشبرد وظایف کنونی و نیز برای تربیت کادر رهبری قیام در دستر کار قرار داده ایم. ما اکنون بین دو نبرد بزرگ قرار داریم. قیام بهمن ماه و قیام مجد رآتی توده ها برای درهم پیچیدن طومار فئدین جمهوری اسلامی. کشاکش انقلاب و ضد انقلاب از همان فردای ۲۲ بهمن خود را در یک سری از تنازعات

به کدامین طریق میسر است؟ در اینجا نیز پیشاهنگ نمی تواند اشکال سازماندهی نظامی را از خود اختراع کند. اما پیشاهنگ می تواند و باید با غیر در تجربه ها و فاکت های معین امر سازماندهی را از دل تجربه ها و فاکت های بیرون بکشد، و یقیناً توجه به شرایط بر مهم ترین آنها تأکید ورزد. بر این اساس، با توجه به اشکال مبارزاتی نیروهای انقلابی و توده ها طی ۶ سال گذشته، یعنی در طول پروسه شکل گیری قیام، در قیام، از قیام تا ۳ خرداد و از آن زمان تا بحال، می توان در اینجا و فعلاً به برخی از مهمترین دستاوردهای تجربی در جهت حصول به قهر سازمانیافته انقلابی اشاره کرد: تشکیلات نظامی سازمانها و احزاب سیاسی، کمیته های مقاومت و کاردهای سرخ کارگری، کار درون نیروهای سرگرم رزم جهت تشدید انشقاق و جذب نیروها و واحد های انقلابی به صفا انقلاب، و بالاخره پایگاههای پارتیزانی در مناطق آزاد شده.

تشکیلات نظامی سازمانها و احزاب ضرورتی است که در کلیه برآمدهای بزرگ تاریخی خود را عیان نموده است. هر جا که مبارزه طبقاتی به مراحل حاد و سرنوشت سازی رسیده است، از یکطرف لزوم وجود تشکیلات نظامی را بعینه آشکار کرده است و از بسمینه آشکار کرده است و از یکطرف امکان وسیعی که نیروهای انقلابی قبلاً سازمانیافته در امور نظامی برای تأثیرگذاری بر جنبش توده ها و احتمالاً کسب رهبری بدست می آورند را نشان داده است. هم اکنون مبارزات انقلابی جاری در امریکای مرکزی اهمیت تشکیلات نظامی را در پیشبرد انقلاب و نقش نیروهای انقلابی سازمانیافته در امور نظامی را در امر رهبری جنبش روشن میسازد. در اینجا نیز قیام مسلحانه بهمن ماه تجربه ای ملموس در این زمره بحساب میاید. کافی است که فقط به نقش و تأثیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در روزهای قیام نظر بیافکنیم تا اهمیت این مسئله آشکار گردد. سچنذا با وجود نیروی

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

تشکیلاتی هستند که وظیفه هدایت توده ها در درگیریهای متفاوت با حکومت را بر عهده دارند. این جوخه ها از طریق شرکت فعال در مبارزات قهر آمیز توده ها و سمت و سوز دادن به این مبارزات در راستای قیام، از طریق محافظت و دفاع از تظاهرات، از طریق ارائه تاکتیکهای مناسب برای دفع نیروهای سرکوبگر رژیم در اجتماعات و قیام از یکطرف و نیز مراقبت از مراکز حساس سازمان انقلابی ( چاپخانه، توزیع، ... )، توزیع مسلحانه اعلامیه، جسیاندن پوستر، صادره های مجاز برای برافروندن نیازهای مبارزاتی، تشبیه و ترویج های مجاز نیروهای ارتجاع بر زمینه مبارزات انقلابی توده ها و ذهنیت آنان و تا آنجا که به اعتلاء مبارزات در راستای قیام منجر شود، ... از طرف دیگر وظایف کنونی تشکیلات نظامی را به پیش میبرند و در حین این عملیات خود آیدیده شده و کادر های فرماندهی قیام را تربیت می کنند.

اما جوخه های رزمی در وجه عام، تشکیلات نظامی سازمان سیاسی است. یعنی تشکیلاتی است که مستقیماً یا از سوی سازمان ایجاد میشود و پس از هواداران سازمان به تشکیل آن مبادرت می ورزند. این جوخه توانائی و رسالت جذب توده ها در خود را ندارد. پس توده ها را چگونه باید برای برپایی قیام سازماندهی کرد؟ با توجه به شرایط کنونی اختناق آمیز حاکم بر جامعه و بر اساس تجربیات سال ۵۷، سازماندهی توده های می تواند از طریق کمیته های مخفی اعتصاب ( کارخانه ) و کمیته های مخفی مقاومت در محلات، مدارس، پارکها، روستاها و ... انجام یابد. در اینجا اشاره مجدد به سه موضوع قبلاً مطرح شده ضروری می نماید. اولاً تفکیک تدارک سیاسی از نظامی در عمل نامیسر است. این امر بویژه خود را در مورد وظایف کمیته ها نشان میدهد. بنابراین طرح کمیته ها در بخش تدارک نظامی صرفاً روشی است انتزاعی بر این بیان موضوع، ثانیاً عملیات نظامی بخشی از تدارک نظامی است که تنها در روزهای قیام بر جنبه های دیگر تدارک و مبارزه مسلط میشود. از اینرو وقتی از وظایف کمیته ها در مورد تدارک نظامی بحث به میان میاید، صرفاً منظور عملیات

### قیام و ...

بقیه از صفحه ۷

مسلحانه نمی باشد. ثالثاً گفتیم که در شرایط متعارف در طول پروسه تدارک قیام، تدارک نظامی حول تدارک سیاسی انجام می یابد، بعبارت دیگر مبارزه سیاسی بر نظامی مسلط است. این امر در وجه عام نیز در مورد وظایف و رسالت کمیته ها صادق است.

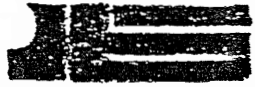
جنبش انقلابی در سال ۵۷ نمونه های مختلفی از تشکیل خود - انگیخته این کمیته ها را، هر چند در بیشتر مواقع بصورت نطفه ای و یا ابتدائی عرضه داشت. این کمیته ها بعلت خصلت دمکراتیک حاکم بر آنها، به مثابه قطب جذب بیشترین طبقات و اقشار انقلابی در پروسه تدارک قیام عمل نمود. اکنون می توان با تکیه بر دستاوردهای عظیم سازماندهی خود انگیخته در سال ۵۷، با توجه به شرایط کنونی، آگاهانه در تشکیل این کمیته ها دخالت انقلابی کرد و پروسه تشکیل آنرا تسریع نمود. پیشاهنگ بمنظور دخالت انقلابی در جنبش توده ها بمنظور کسب رهبری بر جنبش توده ها و قیام نمی تواند فقط به "سازماندهی خود برای انقلاب" بسنده کند. این محدوده تنگ سازماندهی امر رهبری را نامحتمل میسازد. قیام کار توده ها است. و برای این امر باید توده ها را در راستای قیام، در راستای اهداف انقلابی قیام بسیج و سازماندهی کرد. کمیته ها، آن ارگانهایی هستند که از طریق آن امکان سازمانیابی وسیع توده ای فراهم میشود. اگر چه اکنون بدلیل شرایط اختناتی، این کمیته ها بعلت اجبار در مخفی بودن، تنها قشر نازکی از مبارزترین و آگاهترین نمایندگان هر طبقه و قشر انقلابی و مترقی را بنا به موقعیت کمیته و صرفنظر از اعتقاد مسلکی در بر میگیرد، اما از طریق همین کمیته ها بیشترین نیروی توده ای امکان جذب و سازمانیابی می یابد.

جنبش انقلابی توده ها در مراحل از رشد، خود سبب تشکیل خود انگیخته این کمیته ها است. سال ۵۷ اینچنین بود. اکنون پیشاهنگ با درک علمی از این روند، و با دخالت انقدری موجود

تسریع و تشکیل آگاهانه کمیته ها میشود. اما این دخالت نه در خلاف، بلکه در جریان مبارزات می تواند صورت بگیرد. در تظاهرات قهر آمیز کارگران بندر انزلی، در جنگ خونین ترکمن صحرا، در مبارزات بیگاران، در دفاع قهر آمیز از دانشگاهها، در اعتصابات و اعتراضات توأم با بیکاری قهر در کارخانجات، در مبارزات خارج از محدوده، در افسرینه، در تظاهرات قهر آمیز ضد جنگ در دزفول و ... و در هر کجا که مبارزه هست و در هر کجا که توده ها هستند. تمامی این مبارزات تعزین نبود بزرگ آتی است. تدارک سیاسی - نظامی قیام است. توده ها بر بستر مبارزاتی از دستاوردهای مبارزاتی قیام بهمن ماه تکیه دارند، آنها را در مبارزات جاری بکار میگیرند و راهها و روشهای جدیدی را در بیکار یا نیروهای سرکوبگر رژیم بسازند. آزمایش می گذارند و تجربه میکنند. کمیته ها تا حدود بسیار زیادی تضمین تداوم حرکتها، جلوگیری از گسست، بسیج بیشترین نیروها در یک راستای مشخص و گلا تشکیلاتی است که تدارک قیام از آن طریق منسجم تر و سیستماتیزه تر به پیش میرود. کمیته ها اعم از کمیته های مخفی اعتصاب و مقاومت اگر چه در بدو شکل گیری بنا به شرایط موجود مخفی هستند، ولی با رشد جنبش انقلابی، به تشکیلات توده ای ارگان قیام بدل میشوند. از اینرو اگر در یک تصویری انتزاعی (و در عین حال محتمل) کمیته ها به مثابه ارگانهای مسلط بر حرکات توده ای عملکرد یابند، رهبری قیام از طریق رهبری کمیته ها رقم می خورد.

جنبه بسیار مهم دیگری از تدارک قیام، فعالیت انقلابی در میان نیروهای نظامی حکومت است. از آنجا که در قیام مسلحانه ریاروشی مستقیم جنبش انقلابی با حکومت مستقیماً و بلاواسطه از طریق رویا روشی با نیروهای نظامی صورت می پذیرد، همنانگونه که شناخت از توان نیروهای انقلاب برای عمل مستقیم را ضروری میگرداند، شناخت از توان، روحیه و امکانات دشمن نیز ضروری میشود. توان نیروهای انقلاب برای دست زدن به قیام مسلحانه، نه بطور مطلق، بلکه با توجه به توان ضد انقلاب برای سرکوب حرکتهای توده ای نیز ارزیابی میشود. در اکثر قریب به اتفاق قیام هایی که تا کنون در جهان صورت یافته در صفحه ۱۷





### آلترناتیو . . .

بقیه از صفحه ۴

نیزه تا حد زیادی میتوانست  
اطلاعات گرانبهای بدست دهد . . .

ما، هر چند در گذشته بارها به مذاق این  
برنامه برخورد کرده ایم ولیکن در اینجاست  
بخطرات اهمیت بحث و بخطر ایجاد امکان  
مقایسه آلترناتیوهای مطرحه، بهترین  
بخشهایی " برنامه " این آلترناتیو را ارائه  
میکنیم تا آنچه بعنوان هدف و آلترناتیو  
منشی لیبرال - دموکراتیک ( ائتلاف نمایند -  
گان سیاسی غرب، بیژروازی و بیژروازی  
لیبرال ) اعلام گردیده، ماهیت و حدود  
برنامه ها و تغییرات پیشنهادش بکمک و  
زمان همین برنامه مشخص گردد. البته،  
صرفاً بهترین محورهای انتخاب کرده و از  
پرداختن و ارائه جزئیات پرهیز نموده ایم.

۱- حفظ اساس ارتش و قوای نظامی و  
انتظامی بهمان شیوه گذشته :

در چارچوب این آلترناتیو، ارتش  
و قوای انتظامی بیژروازی حفظ میگردند  
برنامه از " تجدید سازمان مردمی ارتش "

شکامل ترین شکل اداره امپریالیزم است  
برصغیر و ولیکن شیوهای دوگانه ( تصمیم  
گیرنده و " مشورتی " ) مطرح نموده ماهیت  
واقعی و مبتدل این نظام شیوایی را  
اشکار میسازند. شیوهای تصمیم گیرنده  
برای چه؟ برای اداره امپریالیزم و شیوا -  
های مشورتی " که " صرفاً نقش مشورتی داشته  
و با حفظ حق و تروپانی المثل حق لغو  
انتصاب و . . . و یا . . . به عبارت دیگر  
شیوهای بی بوسی خاصیت و هیچگاه که  
تا حد مرکز و ارگانهای فرمایشی و مشورتی  
فاقد هرگونه قدرت تصمیم تنزل می یابند و  
دستگاههای دیگری که در حقیقت همان  
بیوروکراسی است، تصمیم گیرنده میشوند.  
از همین امروز نیز برای جلوگیری از هرگونه  
فعالیت و تفکر آزادانه و مستقل سیاسی توده -

ها و جلب شدن آنها بوسی کمونیستها  
در چارچوب این " شیواها " هشدار داده  
شده است - " دولت میقت ( جمهوری  
دموکراتیک اسلامی ) اجازه نخواهد داد که  
شیواها و همچنین سایر جماعت انتخابی  
صنوعا ( صنوعا از نظر اینان معادل بسا  
ابتکار مستقل توده هاست ) ، با اعمال خنده

و تقلب ( ! ) ، آلت فعل هیچ گروه، حزب  
سازمان و حتی دولت حاکم گردند! این  
درست بمعنی حفظ کامل بیوروکراسی و نفس  
کامل اراده مستقل توده هاست و تراز  
" دولت " بقیه در صفحه ۱۱

صحت منبوه از اینکه " انضباط پولادین  
آن آگاهانه و نه گمگورانه " است ولی برای  
" پائین ترین رده های " این ارتش فقط  
" حق انتقاد " ! " محفوظ است و در -  
انتصابات ( توجه! انتصابات ) مختلف  
و تأیید صلاحیت فرماندهان شان " مورد  
" مشورت " ! قرار میگردند. یعنی حد اکثر  
نهی نظرخواهی بیوروکراتیک که به هیچوجه  
نمیتواند تصمیم گیرنده و صاحب قدرت -  
تصمیم و اجرا باشد. از قدرت اداره امور و  
انتخاب فرماندهان نیز توسط پرسنل انقلابی  
ورده های پائین ابتدا سخنی در میان  
نیست. بنابراین ماهیت امپریالیزم  
" آموزشی نظامی تمام مردم " و . . . بهر  
توجه به نکات فوق و اینکه این برنامه از  
" پیوند ارتش و مردم " ( توجه! پیوند ارتش  
بعنوان یک ارگانیم جدا از مردم با مردم )  
و " ارتش در خدمت خلق " و نه ارتش خلق  
توده ای صحبت میکند، آشکار میگردد یعنی  
در مجموع ارتش کنونی - مگر با بهره ای تنظیم  
- ها - باقی خواهد ماند و فقط از " انحلال  
کمیته و سپاه " صحبت بهمان می آید .

۲- در " برنامه " نه تنها ارتش بلکه  
در کارکنان دستگاه بیوروکراتیک و اداری موجود  
عند تا بهمین شکل حفظ میگردند و هر چند در  
اینجا به معیارهای دهان پرگویی " نظامی شیوایی

نیروهای انقلابی قرار داشت، امسروز  
رود رویی توده های زحمتکش قرار دارد که  
پس از سال از انقلاب خونین خویش،  
دستاوردی جز فقر و فلاکت، بی خاتمانی و  
بی مسکنی، بیگاری و فلاکت عمومی ندارند.  
روزی نمیتوان از این سخنگویی به نیازهای  
توده ها و غرقه در گرداب بحران همه جانبه  
اقتصادی سیاسی چاره ای جز در ویژگی هر  
چه بیشتر در پیشگاه امپریالیزم جهانی  
نی بینند اما تحلیل این نکته نیز ضروریست  
که چرا امپریالیزم در اوج بی ثباتی و در استانه  
سقوط رژیم حمایت بیشتر از رژیم را در دست  
قرار داده است. چرایی این مسئله نه از آن  
روست که این رژیم رژیم قابل تثبیت و  
دربرگیرنده تمامی منافع بلندمدت  
امپریالیزم است. بلکه این حمایت از آنجا  
ناشی میشود که رژیم جمهوری اسلامی از  
دیدگاه امپریالیزم در مقطع کنونی مطلوبترین  
رژیم در سرکوب انقلاب و خاستترین رژیم  
در تقویت جنبشهای ارتجاعی منطقه و  
تضعیف جنبشهای انقلابی منطقه است.  
این امر خفاص کوتاه مدت امپریالیزم را کاملاً  
تأمین میکند. اما، از آنجا که این رژیم خود  
بحران زاست و علیرغم تمایلش قادر نیست  
سیستم سرمایه داری وابسته به انحصارات  
امپریالیستی را بصورت مطلوب انحصارات  
بین المللی بازسازی نماید، رژیم تا به آنجا  
بهر حمایت همه جانبه امپریالیزم جهانی  
تزارخواهد گرفت که رسالتش در سرکوب  
جنبش سراسری و همچنین جنبش انقلابی  
خلق گردد که اینک فعالترین جنبش  
توده ای در منطقه است با انجام رسد - از

### سرمایه گذاری . . .

بقیه از صفحه ۲

رژیم ب مفهوم جذب صدور  
سرمایه نبوده بلکه تنها بخشی از فرآیندهای  
پرداختی رژیم برای فعال شدن شرکتهای  
امپریالیستی موجود بکار گرفته شده است و  
ثابتاً نفس این حرکت نیز روند منطقی اما کام  
بکام سیاستهای ضد انقلابی رژیم از بسد و  
کسب قدرت در جهت بازسازی سیستم  
یوسیده گذشته بوده است این روند یعنی  
تجدید قرار داد های موازات شکستن توهم  
توده ها هم سریعتر گشته و هم آشکارتر  
اعلام شده است .

اگر اکنون بدلیل روشن شدن ماهیت  
رژیم در آن زمان توده ها و اوایلگیری روز افزون  
تأرضی توده ها و موازات آشکار و انقلابی  
آنان رژیم دیگر ضرورتی در پنهان داشتن ن  
روابط اقتصادی سیاسی نظامی و . . . با  
امپریالیستهای بیند این امر نشانه تغییر  
سیاستهای رژیم نیست. چرا که تزویر و ریاء  
فریب و تیرنگ تحت پوشش مذهب و شعارها  
سی " ضد امپریالیستی " ، برندگی و کارسازی  
خود را بدست راست از دست داده است دیگر  
در آن شعارهای توخالی " مرگ بر آمریکا "  
که تا آنقدرترین توده ها را می فریفت میوای -  
روزیونیستهای توده ای و اکثریتی تویمی  
در حمایت از رژیم پدید می آید سراسری شده  
است. اگر رژیم تا در نزد عمدتاً در مقابل

آن پس امپریالیزم تلاش قطعی خواهد کرد  
تا رژیم را که از لحاظ استراتژیک تضمین  
کننده منافعش باشد جایگزین رژیم کنونی  
نماید. رژیم که از نظر ریزی سیاسی کاملاً  
منطبق بر ریزی موجود ایران باشد.  
طبیعی است که دریافت غرضهای کیلان  
از سوی امپریالیستها صرف بخشی از آن در  
جهت فعال نمودن شرکتهای تابعه خود  
در ایران از آنرو که عمدتاً در راستای منافع  
طولانی مدت امپریالیزم نیز قرار میگیرد بکار  
گرفته شده است .

اما، توده ها، کارگران و زحمتکشان با  
مبارزه انقلابی خود همه یا اثرها و بیثباتی  
- های امپریالیزم را در هم می شکنند. اگر  
در نخستین انقلاب، توده ها نا آگاهانه  
بضد انقلابی دیگر تکمیل کردند اینبار اما  
در روند گسترش مبارزات انقلابی خود با  
استفاده از تجربه اولین انقلاب و اولین  
درس ارزنده که هر حاکمیتی بجز حاکمیت  
کارگران و زحمتکشان بنا بر ماهیت طبقاتی  
خود به بازسازی سیستم موجود موصول  
گشته و منافع بیژروازی و امپریالیزم را تا همین  
خواهد کرد، با تدارک انقلابی دیگر، خربه  
نهائی را بر دیگر امپریالیزم فرست و روزوال  
جهانی و پایگاه داخلی سرمایه داری -  
وابسته فرود خواهند آورد و جمهوری  
دموکراتیک خلق، جمهوری دموکراتیک  
کارگران و زحمتکشان را مستقر خواهند  
ساخت و اولین گام را در جهت استقرار  
سو سیالیسم فراهم خواهند نمود .

بقیه از صفحه ۲۴  
**جنایتکار . . .**

اوج سال پیش بعثت از بهمن رفتن کشاورزی، میانه راه کرد و جهت پیدا کردن کار به تهران آمده در آنجا بیست سال گذشته مجدداً جهت انجام حرفه زراعت میانه رفته ولی بعثت ندانستن آب مناسب، کشاورزی راه کرد و به تهران بازگشته و در تهران به عنوان کارگر خصوصی شرکت مغایرات مشغول کار شده. روزنامه کیهان علت این رویداد را از زبان همین کارگر چنین توضیح میدهد: "من فاقد کترین امکانات زندگی بودم. در آن گرمای طاقت فرمای کوره یزخانه از تهیجی یک استکان آب خنک برای بچه هایم عاجز بودم. سه کوفی داشتیم و بچه هایم، حتی بچه بچه حل هم مراجعه کردم و آب آنها کفند باید در نیت حاجی تانوتانی کولرو یخچال خوری. اما من که حتی پول خرید راه هم نداشتم، کلافه شدم و هیچ راهی جز اینکه اول بچه هایم و سپس خودم را بشوم بنظرم نرسید. من بچه های خود را سیار دست و پا شدم ولی چون نمیتوانستم شاهد زجر کشیدن آن دو باشم، آنان را کشتم. و در آخر هم با اعلام روانه زندان شد البته پس از معاینات لازم و اعلام سلامت کامل برای منم از سوی پزشک، قانونی، بزرگم خود با اصطلاح پرونده را خنومه اعلام میکند.

رژیم جمهوری اسلامی جنایت میکند، اما با رجحانیت را بر دوش آنکه از طرف آمریکایی رژیم به اندوه نشسته، می اندازد. رژیم جمهوری اسلامی فقر و تنگدستی برای زحمتکشان بیار می آورد، اما آنکه به فقر و تنگدستی گرفتار آمده را محکوم میکند و روانه زندان می سازد.

رژیمی که آدمکش از نظرش، قهرمانی است، دستهایش بخون خلق آغشته و بر بیکر این خلق رنگارنگ سلسله بسته است، تا صدایش را بظواهر خاموش سازد، باسد آنکه قادر باشد با راحت و آسایش خون کارگران و زحمتکشان را بکشد، اما چهره زشت و پلیدیش را در پس عبارات فریبکارانه و تیرنگهای پنهان می دارد، آری این رژیم، استیصال کارگری را که از فرط نداری بجان آمده و در فرزندش را با دستهای خود مرگ میکشاند که مرگ تدریجی آزارشان ندهد را "جنایت فحیح و بی سابقه" میخواند و حکم اتهام آدمکش صادر میکند.

از زندین این خیره کذب و عده های حمایت از کارگران و دستوریهای تیرغین رژیم نسبت به زحمتکشان شهر و روستا آنکاراست. پیش از چهار سال سیاست، جنایت، همه جادیه از سرمایه ایران در تمامی عرصه های اجتماعی، و در کنار آن سیاست سرکوب کارگران با تدوین قوانین ضد کارگری، سیاستی که کارگران را تا سطح برده و اجیر

نفل داده، سیاست ارباب تهدید، اخراج و دستگیری کارگران، بستن کارخانه ها در برابر اعتراضات کارگری چون نمونه کارخانجات نساجی اصفهان و طرح تعطیل از جمله مجتمع فولاد اهواز و اخراج ۷ هزار از ۹ هزار کارگر این مجتمع، بیش از چهار سال و عده و فریب با احکام الهی که "نجات بخش" خوانده میشوند تا در پس آن قوانین حمایت از سرمایه داران تصویب شود، تا "تولید بیشتر" تحقق یابد بدون آنکه حتی جرعه ای آب خنک در گرمای طاقت فرمای کوره های انسان سوز در دسترس زحمتکشان باشد، و پیش از چهار سال حمایتهای دروغین از زحمتکشان روستایی اما در واقعیت ادامه سیاستهای رژیم گذشته در نابودی کشاورزی و آواره کردن روستائیان و اجبار آنها به اجساد شهرهای برای یافتن کاری تا درآمد اندکی بیابند و... آری تمامی اینها کارنامه جنایت رژیم جمهوری اسلامی است و این فاجعه و نه تنها این که بیشمارند چنین رخداد هائی، تصویر واقعی اما سخت دردناکی است از فقر و نیاز و بدبختی اجتماعی که تنها رژیم جمهوری اسلامی حامی و محافظ سرمایه داران سبب اصلی آن است.

بیشمارند این رویدادها. اگر امروز روزنامه ای وابسته به رژیم که همواره توجیه گر سیاستهای ضد کارگری رژیم بوده، تنها به یک مورد از این نوع فجایع اشاره میکند، ضمن آن با بیان عبارات سالوسانه با وقاحت بز حمایت از زحمتکشان را میگرد که هر چند با زبان گزیریه آن عنوان "جنایت" میدهد، اما طرز همین یک مورد بعثت کثرت چنین حوادثی است که این روزنامه ناگزیر از درج آن گردیده است. چه بسیار کارگرانی اند که برای اخراجها و یا پایش بودن سطح دستمزد، از آن جهت که قادر به تامین نیاز خود و خانواده شان نبودند، اقدام به خودکشی کرده اند. تنها نمونه ای می آوریم، نمونه ای که مورد مشابه آن رخ داده و کارگری از مغایرات خود را از بالای ساختمان مغایرات، بعثت فشار اقتصاد ی پایش انداخته و وی یک پلاکار دیگر خود اویخته بود که در آن توضیح داده بود که بخاطر فقر و تنگدستی خودکشی کرده است. این کارگری پیش از اقدام بخودکشی، برای دریافت دستمزد بیشتر برای تامین مخارج زندگی اش بر رئیس اداره مراجعه کرده بود که پاسخ اش این بود: "اینجا از افزایش دستمزد خبری نیست".

اما چنین رویداد هائی نه خاص جمهوری اسلامی که میباید هر رژیم سرمایه داری است که فشار زندگی و فقدان جزئی ترین حقوق اقتصادی و اجتماعی را بر کارگران و زحمتکشان تحمیل میکند. این فاجعه سرمایه داری است. تازمانی که اقلیتی استثمارگر و استثمارگر بر اکثریتی تحت ستم و استثمار شوند، حکم میرانند زحمتکشان از چنین مصائبی مصون نخواهند بود. همچنانکه این حادثه، رخداد دیگری را نیز درازان زند ساخت:

در آن واپسین سالهای حیات حکومت شاه، کارمند زحمتکشی در تبریز زندگی در ماندگی در زیر بار مخارج زندگی، خود و خانواده اش را داشت و در آخرین نقاط زندگی یا خون بر دیوار نوشت: "آری ما هر لاف نزن، ما گرسنه ایم". اما همچنانکه تحریه جنبش توده ای و قیام سال ۷ ثابت کرد کسب از ره منفی، تسلیم طلبی و بدبختی سرنوشتی که رقم خورده است، قادر به تامین حقوق کارگران و زحمتکشان نیست و تنها حرکت یکبار چسبه توده ها میتواند ستیزان را به عقب رانشی و وارد و انبساط از آزاریک قدرت بنویسد.

امروز نیز در شرایطی که فشار طاقت فرمای مخارج مردم افزون زندگی، قیمت های سرسام آور و کمبود کالا های مورد نیاز و فقدان ابتدائی ترین حقوق، زندگی و مرگ را در نظر توده های کسان ساخته، در شرایطی که توده ها در زندگی روزمره شان با مرگ تدریجی روبرو بیند، باید خشم خویش را بر جلادان - بلند کرد. باید خشم و ناراضی را، خشم و کین را به سازماندهی مقاومت تبدیل کرد. باید فقر و درماندگی مفرط در میان توده ها و حرکات توده ای آنها را که فاجعه آفرین است به حرکت آگاهانه بدل ساخت.

تسلیم طلبی، مطلب بیهوشی است. بر آنکس که بدلسردی و گفتن اینکه "کاری نشود کرد" و یا "همین است که هست" جز تحکیم نظام سرمایه داری و تداوم روابط اجتماعی استثمارگرانه، حاصلی ندارد. باید بنیان نظام سرمایه داری را بر انداخت تا حقوق کارگران و زحمتکشان تحقق شود و از این روی باید بر آنکس که، بدلسردی و تسلیم طلبی عاقلانه، باید سطح آگاهی سیاسی را ارتقا داد و سازماندهی توده ها و ظرفیت مبارزه جمعی آنها را رشد و گسترش داد و توده های تحت استعمار و تحت ستم سرمایه داری یک نیروی اجتماعی با اهداف انقلابی بدل ساخت. به یک کلام باید به سازماندهی مبارزه طبقاتی برهبری طبقه کارگر پرداخت. جز این راهی نیست. طبقه کارگر باید حق آزادی سازی را در عرصه نبرد به چنگ آورد.

**هشدار . . .** بقیه از صفحه ۲۴

رژیم جنایتکار را نخورد و حاضر نشده اند علیه تبلیغات فریبکارانه رژیم، گوشت دم توب بپوشانند. با افشای این تاکتیک جدید، نه تنها باید مانع بروز این جنایت شد بلکه باید دانش آموزان را سازماندهی کرد و این حیلۀ رژیم را به خود بدل کرد. رفقای دانش آموز باید بدانند که هر چند مطالبه مجدد دروس در فصل تابستان نمی دشوار است اما شرکت در کلاسها و رژیوم مشابه مرگ حتمی خواهد بود. بدل و بخشش مسئولین مدارس منی بر قبول محسوب نمودن دانش آموزان از آنروست که آنها خوب میدانند، رفتن به جبهه بازگشتی ندارد و لذت ابراحتی به چنین قول و قرار هائی متصل میشوند.



موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی  
از پد آفایان چگونه میخواهد از "الت  
فعل" شدن شوها بدست خودش جلوگیری  
کند؟ آیا این هم از همان پرگوئی ها و  
شماره های توخالی نیست؟

۳- حفظ کامل سیستم کنونی سرمایه  
گذاری وابسته و فقط اصلاحات نیم بند در  
چارچوب همین سیستم:

در برنامه از تغییرات اساسی در سیستم  
اقتصادی اجتماعی موجود خبری نیست و در  
سراسر برنامه حتی یکبار اشاره ای هم به  
صادر سرمایه های وابسته داخلی و  
سرمایه های امپریالیستی و صنایع بزرگ و ..  
نمیشود و ادعای "الف" ضایعات کمپادری  
در شرایطی که از پیش "سرمایه داری و -  
بازار ملی" (۱)، مالکیت شخصی و خصوصی و  
سرمایه گذاری فردی (۲) فرد را اقل و

القائیان و .. بطور (!) نیز سخن رفته و  
تنباه شرط اینست که این سرمایه های فردی  
(۳) "نامحدود" نباشند! (آیا کسر  
سرمایه را اقلرها هم بالاخره در جانی محدود  
نمیشود؟)، و همچنین آنجا که گوشه چینی  
به غرب نشان داده میشود و "حساب ویژه ای  
برای تمایلات مردم و نیروهای واقعی  
دموکراتیک کشورهای صنعتی (حتما منظور  
افعال متران هاست!) باز میگردد" و دیگر  
ادعاهای پرگوئیانه "حفظ استقلال و "الف"  
ضایعات کمپادری " رنگ میبازد و همه  
اینها نشانگر عدم انجام هرگونه تغییر اساسی  
در ساخت و سیستم اقتصادی - اجتماعی و  
در نتیجه حفظ وضع موجود در اساس است.

۴- "آزادی" برای همه!

آزادی مطروحه در این برنامه حتی به  
هیچگونه اعمال محدودیت یا فشاری برای  
استثمارگران منجر نمیشود:

"آزادی ... در همه روابط اجتماعی و  
سیاسی و وفاداری و اعتماد دموکراتیک را  
جانشین اعمال قهر میبازد" (چه ادعای  
بشردستانه ای!) یعنی هیچ سخنی از  
اعمال قهر علیه استثمارگران نیست بلکه  
صحت بر سر آزاد نمودن آنها در استثمار  
کارگران است. این "آزادی" باز هم پس  
از تجربه رژیم جنایتکار اسلامی کنونی، نوعی  
حکومت مدعی راکه "به اعتقاد مسلمانان  
راستین (مجمع در شورای ملی مقاومت!)  
آزاد خد از اندیشه پهنه اجتماعی اساسا و  
تاریخا، از طریق آن (دولت موقت ج. د. ر. د.)  
بظهور میباید" نهی! میدهد. و ده  
داخلت مذهب در دولت یعنی دهه ای که  
نقی هرگونه آزادی و دموکراسی است.

۵- رفرمهای نیم بند و بوروکراتیک در

## آلترناتیو ...

بقیه از صفحه ۹

مرد حقوق و خواستهای کارگران و زحمتکشان

در برنامه از بسیاری حقوق کارگران در  
این مرحله خبری نیست (چون ۰ ساعت  
کار در روز تعطیل در هفته و بسیاری دیگر)  
آنجا که "حق اعتصاب" بر رسمیت  
شناخته میشود تا آنجائی است که اعتراض  
"سالمت امیز" و "با" اعلام قبلی! باشد.  
در مورد خواستهای دهقانان نیز نه  
شواها و گفته های دهقانی مجری هرگونه  
اقدامات انقلابی بلکه نوعی اصلاحات  
بوروکراتیک و از بالا رده میشود.

ملینهای تحت ستم نیز به "قومینهای  
محل" یعنی مفهومی بی محتوا و نامعلوم  
تبدیل میشوند و خود مختاری اقطاعی  
"شورای ملی مقاومت" زحمتکشان ملینها  
را بالا جبار و نه به خواست خود و بطور  
د او طلبانه تحت حاکمیت دولت مرکزی محصور  
میکند و از رسمیت شناسی "حق ملیت ها در  
تعیین سرنوشت خویش" طفره میبرد.

.....

در مجموع این آلترناتیو با طرح مفاهیم  
پرگوئی های کلی و عاری از مشخصه تعیین  
طبقاتی "حاکمیت ملی و مردمی" (که ماهیت  
طبقاتی "بورووا" لیبرال - خرد و بورژوازی  
آزاد طلبه کارگران و زحمتکشان لا پوشانی میکند)  
نوعی "دموکراسی بورژوازی" بسبب غریبی  
سرو دم بریده ای را بر دم بدهد و میدهد  
در حالیکه بانفی حرکت مستقل توده ها و  
اعمال اراده شان از طریق شوهاها، کنترل  
کارگری و .. و بالعکس با حفظ ارتش و

بوروکراسی بعنوان ارکان سیستم بورژوازی  
و حفظ اساس سیستم اقتصادی - اجتماعی  
موجود میبخواهد توده ها را به یک سراب  
آبم سرایی که از آن هدای کامیاب  
و یکجانبه سرمایه از هم اکنون بگوش میرد  
دلخوش کند.

سلاچنین آلترناتیو و شی لیبرال -  
دموکراتیک مربوطه به هیچ وجه نمیتوانست در  
نحوه تصرف قدرت نیز خود را نشان ندهد.  
توسل به تور فردی و عملیات و التاریستی،  
بلانکیسم و تصرف قدرت از بالا و خلاصه  
شوهر هائی جدا آوردن ارتکا به توده ها و  
حرکت مبارزاتی مستقل آنها (در مورد این  
روشهای تصرف قدرت در گذشته صحبت  
شده و در اینجا بهر رو مجال تشریح بیشتر  
آنها نیست).

ج - خط مشی پرولتاریا و آلترناتیو  
پرولتاری

آلترناتیو نهایی و هدف فائمی کومینتها،

بعنوان پیشاهنگ پرولتاریا، که بر اساس  
نقش و وظیفه تاریخی این طبقه تعیین شده  
تصرف قدرت سیاسی توسط پرولتاریا، از  
طریق یک انقلاب قهری و سرنوشت سازی  
قدرت بورژوازی و استقرار یکجانبه پرولتاریا  
و حصول سوسیالیزم بخزله فاز ابتدائی  
جامعه کومینستی است. ضرورت این الزامی  
مبارزه طبقاتی به استقرار یکجانبه پرولتاریا  
و سوسیالیزم، خود بعنوان گذاری بسوی  
نابودی هرگونه طبقه و جامعه فارغ از -  
طبقات است. پرده ای که طی آن خود  
دولت یکجانبه پرولتاریا ضرورت وجودی  
خود را در رجا از دست داده و زوال مییابد.

هر هدف دیگری برای کومینتها و

پرولتاریا وظیفه و هدفی در خود وابسته نبوده  
بلکه مرحله ها و گامهایی است که در فراسوی  
این هدف بزرگ تاریخی و حصول  
سوسیالیزم و کومینزم ضرورت یافته و تلقی  
میکرد. کومینتها پرولتاریای ایران نیز  
نمیتوانند جز این میانند باشند، هدفی جز این  
داشته باشند و در رسیدن به هدفها و  
خواستهای مرحله ای، مبارزه فردا، مبارزه  
برای سوسیالیزم را از نظر دور دارند و باید در  
این راست عمل کنند.

از سوی دیگر اگر انجام این وظیفه تاریخی  
(استقرار سوسیالیزم) در دوران بورژوازی  
امکان تحقق نداشته و با ورود سرمایه داری  
به مرحله امپریالیزم بعنوان سرمایه داری در  
حال احتضار، یعنی در دوران انقلابات  
پرولتاریائی، وظیفه تاریخی استقلال  
یکجانبه پرولتاریا و سوسیالیزم بعنوان  
یکگان آلترناتیو استراتژیک پرولتاری در ابعاد  
تاریخی - جهانی امکان عملی تحقق یافته

است. هرچند که این وظیفه تاریخی با  
تولد پرولتاریای نهن از مدت ها پیش بر روش  
پرولتاریا قرار گرفته.

اما آیا بدیش امکان عملی تحقق این  
آلترناتیو نهایی پرولتاریائی در ابعاد تاریخی  
- جهانی میتواند در هر مورد مشخص نیز  
(از جمله در ایران) بعنوان یک امکان عملی  
و فوری مدعی داشته باشد؟

بقول لنین "استناد (یکجانبه) بحقیاس  
تاریخی - جهانی در مسئله سیاست مشخص  
فاحش ترین خطای شوهرک است" (۳)

در اینجا، در هر مورد مشخص نیز  
سیاستی شرایط برای تحقق وظیفه و هدف  
اساسی مذکور، آماده باشد و مهمتر از همه  
پرولتاریا سیاستی  
بقیه در صفحه ۱۲

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

## آلترناتیو . . .

بقیه از صفحه ۱۱

و اعمال اراده و حاکمیت مستقیم کارگران و زحمتکشان در قالب شوراهای معنوی ارگانهای مقتنه و مجریه:

تمام دستگاه بوروکراتیک برجسته شده و اراده توده ها از طریق شوراهای کارگران و زحمتکشان بعنوان نهاد های مقتنه و مجریه هر دو اعمال خواهد شد. این شوراهای تضمین کننده عالیترین و آزادانه ترین شکل و مکانیزم رشد و ارتقا حرکت و تفکر مستقل سیاسی توده ها، بجز طبقه کارگر در - راستای دفاع از دستاوردهای انقلاب و - مبارزه در راستای سوسیالیسم خواهند بود. از آنجاکه سیستم تصامی با رج اراده و تحت مستقل توده ای ماینت دارد، کلیه مقامات کشوری و . . . بر اساس سیستم انتخابی بوده حقوق این افراد معادل دستزد یک کارگر ماهر تعیین شده و همواره و هر لحظه، این مقامات و حتی تا حد نمایندگان انتخابی توده ها که مقامات دولتی را در اختیار دارند، توسط کارگران و زحمتکشان انتخاب کنند. قابل عزل میباشند. این نمایندگان از طریق مکانیزم شوراهای انتخاب خواهند شد. ضمناً امور قضائی نیز از طریق دادگاههای خلق به پیش خواهند رفت و سیستم قضائی کنونی ضحل خواهد شد.

۳- کنگره شوراهای نمایندگان کارگران و هفتاد و یک نفر اقتدار خلق به منزله عالیترین ارگان تصمیم گیرنده:

عالیترین ارگان تصمیم گیرنده در جمهوری دموکراتیک خلق ایران کنگره شوراهای نمایندگان کارگران و هفتاد و یک نفر اقتدار خلق خواهد بود که تبلیغ کننده واقعی اراده توده های زحمتکش میباشد.

۴- اقدامات اساسی در راستای سرانداختن سلطه امپریالیزم و قطع وابستگی:

کلیه قراردادهای اساسی با امپریالیسم لغو و مفاد آن افشاء شده و کلیه صنایع و موسسات متعلق به سرمایه داران وابسته و انحصارات امپریالیستی، نهاد های مذهبی، صنایع بزرگ و . . . صادره و ملی شده و به اراده حکومت انقلابی درمی آیند. در صنایع و موسسات دیگر از طریق شوراهای کارگری، کنترل کارگری اعمال خواهد شد. البته این کنترل کارگری بهیچوجه محدود و به اینگونه واحد هاننده بلکه در واحدهایی که از سوی حکومت انقلابی، اداره میشوند نیز کنترل کارگری اعمال خواهد شد، تاجریان امور نمایندگان منتخب توده ها در حکومت تحت کنترل کامل قرار گرفته و امکان تخلفی ندارند. این کنترل کارگری که از سوی ارگانهای نظیر کمیته ها و شوراهای کارگری اعمال میشود، در ابعاد

و اهداف متفاوت (بنا بر متن)، بخاطر همه این عوامل، از یک طرف مقابل پرولتاریا و کمونیستهای ایران و طبقه انجام بلاواسطه فوری یک انقلاب دموکراتیک توده ای و نه سوسیالیستی یعنی برقراری جمهوری دموکراتیک خلق قرار گرفته است. خط مشی و آلترناتیو پرولتری، در نتیجه چنین هدفی را در این مرحله دنبال میکند. وظیفه این انقلاب و این جمهوری، زمینه سازی و آماده کردن کلیه پیش شرط های عینی و ذهنی و ایجاد آنچنان تمایز آگاهانه در روابط طبقات است که یک مبارزه آگاهانه و متمرکز و مستمر از سوی اکثریت جمعیت یعنی پرولتاریا و نیمه پرولترها را برهبری طبقه کارگر برای متحقق کردن سوسیالیسم فراهم نماید. این جمهوری زمینه ساز و آغازگر پروسه تحولی انقلابی است که تحت رهبری طبقه کارگر به سوسیالیسم فرا خواهد رویش.

ضمن طبقاتی جمهوری دموکراتیک خلق دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی کارگران و زحمتکشان است. این انقلاب بهیچوجه یک مرحله مجزای نبوده و در یک روند پروسه واحد برهبری طبقه کارگر مرحله سوسیالیستی فرا خواهد روید، پیروزی واقعی و نهائی اهدای این انقلاب در گرو این فراروشی است. سرعت حرکت و فراروشی از انقلاب دموکراتیک به سوسیالیستی، از دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی کارگران و زحمتکشان به دیکتاتوری پرولتاریا، وابستگی به نیروی پرولتاریا خواهد داشت.

۵- ما از انقلاب دموکراتیک و درست مطابق با میزان نیروی خویش، بخواهیم پرولتاریا بی آگاه و متشکل به انقلاب سوسیالیستی گذر خواهیم کرد، ما هواداران انقلابی و قوه - ایم، در نیمه راه توقف نخواهیم کرد.

۶- اما، بهترین اقدامات و ویژگیهای جمهوری دموکراتیک خلق ایران چیست؟

۱- انحلال ارتش، پلیس، سپاه و کمیته ها و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای مجزا از مردم:

ارتش و کلیه نیروهای نظامی و انتظامی جز از مردم همواره بعنوان ابزاری برای اعمال سلطه طبقه بورژوازی کارگران و زحمتکشان بوده است. در جمهوری دموکراتیک خلق این ارگانها ضحل میشوند و تسلیح عمومی خلقی (کارگران و زحمتکشان) و ارتش توده ای جای آنها را خواهد گرفت. و اینبار این نیروها نه چیزی جدا از مردم - بلکه خود متشکل از خلق مسلح و برای تضمین آزادی برای کارگران و زحمتکشان و اعمال قهر انقلابی علیه بورژوازی استثمارگر هرگونه تجاوز یا خطر خارجی و داخلی ضد انقلابی و امپریالیستی علیه انقلاب و جمهوری دموکراتیک و درهم کنی تلاشهای ضد انقلاب بورژوازی بکار خواهند رفت.

۲- برجسته شدن دستگاه بوروکراتیک

از توان و نیروی کافی که همانا در میزان تشکل و سازمانیافتگی آن و همچنین آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی است، برخوردار باشد. بجز از این که حصول آلترناتیو پرولتری بر اساس روندهای آگاهانه و - نه خود بخودی ممکن است.

شرایط مشخص در حقیقت و در رکنی ترسین خطوط خود، سطح تکامل اقتصادی (شرط عینی) و سطح آگاهی و تشکل توده های وسیع پرولتاریا (شرط ذهنی) که ارتباطی لاینفکی با شرط عینی دارد، را شامل میشود. وضعات و رهایی که سرمایه داری با گام گذاردن به مرحله امپریالیسم به مراتب بیشتر از گذشته بشیوه سرکوب و ترور علیه پرولتاریای کشورهای امپریالیستی متوسل شده است، دیگر بهیچوجه وجود هرگونه دموکراسی نپسند نیز در کشورهای وابسته و تحت سلطه را - تحمل نخواهد کرد. بجز در کشورهایی که با سیستم سرمایه داری وابسته (چون ایران) همواره رونمای دیکتاتوری بریان سرمایه به منظور مقابله با رشد آزاد تشکل و آگاهی کارگران و زحمتکشان برای سرکوب مبارزات آنان از طریق بورژوازی. این کشورها بعنوان پایگاه و متحد امپریالیسم جهانی، اعمال میشود و در نتیجه طبقه کارگر سوسیالیستی بطور بلاواسطه برای متحقق کردن مطالبات دموکراتیک زحمتکشان و یک رژیم دموکراتیک انقلابی و نه بطور بلاواسطه سوسیالیستی ولی در راستای آن مبارزه نماید.

۷- بدون آزادی سیاسی و وجود مبارزه طبقاتی آشکار، آزاد و وسیع، آموزش سیاسی، تعلیم و بسنج پرولتاریا بغیر قابل تصور است. از این رو مبارزه ای مصمم برای آزادی کامل سیاسی و انقلاب دموکراتیک همواره هدف پرولتاریای آگاه بوده است.

۸- باتوجه به آنچه گفتیم، انقلاب ما در این مرحله، متناسب با شرایط عینی و ذهنی موجود، نمیتواند بطور بلاواسطه یک انقلاب سوسیالیستی باشد ترکیب طبقاتی نیروهای محرکه انقلاب (هرچند که پرولتاریا نیروی محرکه اصلی است) وجود طبقات و اقشار وسیع خرد و بورژواود هفتاد و یک نفر پرولتاریا که برای دستیابی بخواسته های دموکراتیک خویش مبارزه میکنند و مبعثر از همه آماده نبودن شرایط ذهنی لازم برای بسیج آگاهانه و تشکل پرولتاریا برای اهداف - نهائی و جلب حسن نظر آن نسبت به

ایده ها و اهداف بلاواسطه سوسیالیستی، و در حالیکه بخاطر همه اینها تمایز طبقاتی در روابط طبقات و صف بندی طبقاتی لازم - جهت مقصود معمول داشتن سوسیالیسم بوجود نیامده و مبارزه عمدتاً حول مطالبات دموکراتیک صورت میگیرد که کارگران و خرد و - بورژوازی متوسط و پایین شهر و روستا را بعنوان متحدین پرولتاریا در این مرحله از انقلاب - بعره مبارزه میکنند (هرچند با انگیزه ها





### آلترناتیو . . .

بقیه از صفحه ۱۲

سراسری در جامعه و در راستای فراروشی به مدیریت قرار میگیرند (درست متناسب با فراروشی انقلابی) در مکرانیک به سوسیالیستی. پس این اعمال کمتر که بیانگر اراده پرولتاریاست و مضامین هم در حرکت بیوقفه به سوسیالیسم محسوب میشود یا حصول آمادگی زمینه های ذهنی یعنی ویژه حصول تامل و صفتی غنای مضمونی برای فراروشی مضمون - یکتاتوری مکرانیک به دیکتاتوری پرولتاریا علاوه بر جازمانی فرا خواهد رسید که ضمن این کنترل کارگری سیاستی در ابعاد تمام جامعه مدیریت کارگری حکومت پرولتاریا فرابرود. پس کنترل کارگری از طریق شوراهای کارگری نیز پیچیده - نمیتواند هدفی در خود و استاتالقی گردد - همانطور که جمهوری مکرانیک خلق نمیتواند چنین باشد. آینده این کنترل کارگری مدیریت کارگری در ابعاد يك جامعه استقرار دیکتاتوری پرولتاریاست. همانگونه است که آینده جمهوری مکرانیک خلق سوسیالیسم

۵- آزادی برای کارگران و زحمتکشان، دیکتاتوری علیه استثمارگران :

مکراسی و آزادی نیز مانند سایر مفاهیم و مقولات اجتناب یغیوی طبقاتی دارد و مکراسی ناب و آزادی برابری همگانی بی معنی و فریب بیزووائی و خورد و بیزووائی است. همیشه باید پرسید آزادی برای چه و برای چه طبقه ای و برای چه هدفی؟ " سرمایه در ایران، همواره اصطلاح " آزادی" را به مضمون آزادی شروتمند ترشدن برای شروتمندان و آزادی گرسنگی کشیدن تاپای مرگ برای کارگران بکار برده اند (۶) در جمهوری مکرانیک خلق ایران آزادی - برای کارگران و زحمتکشان در گسترده ترین شکل ممکن تامین میشود. بهترین ارگانسیم متحقق شدن این آزادی در شوراهای کارگران و زحمتکشان تبلور است که اراده، حرکت و تفکر مستقل و آزاد توده هارا تامین مینمایند. این آزادی برای کارگران و زحمتکشان از سوی دیگر مترادف اعمال - دیکتاتوری، دیکتاتوری مکرانیک انقلابی کارگران و زحمتکشان بر هبیری طبقه کارگر بر بیزووائی و کلیه استثمارگران و عوامل آنها نیز میگردد.

هدف این آزادی گسترده برای کارگران و زحمتکشان، رشد فعال و خلاق آگاهی و تشکک آنها بویژه پرولتاریا در راستای حرکت مستمری وقفه برای متحقق کردن سوسیالیسم خواهد بود.

از سوی دیگر در حالت بند در دولت

بکلی مردود بوده ولی هر کسی در چارچوب جمهوری حق دارد که دین داشته باشد یا دین نداشته باشد و در این امر آزاد است و در مورد اقلیتهای مذهبی نیز کلیتاً وحدت و هم الفوی میگردد و کلیه اتباع کشور هم از زن و مرد و هر ملیتی و... از حقوق برابر برخوردار میگردند و تبعیض بر اساس نژاد، مذهب، جنسیت و... بکلی ملغی است.

### ۶- تامین حقوق کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان

گذشته از اینکه کلیه امور مملکت از طریق شوراهای کارگران و زحمتکشان صورت میگیرد، در عین حال حقوق مشخص کارگران که حتماً و ابتداءً سیاستی بود اجرا گذاشته شده و رعایت گردد. چون، ساعت کار، در روز تعطیل در هفته، منوعیت اضافه کاری، حق اعتصاب، تضمین حق تشکیل سندیکاها و اتحادیه های کارگری و... و مطالبات دیگری که تامین کننده شرایطی برای جلوگیری از تهاجمی روحی و جسمی وسط توان طبقه کارگر در مبارزه استراتژیک آن برای سوسیالیسم ضروری است و در اینجا مجال آوردن تمامی آنها نیست.

در مورد دهقانان نیز گذشته از اینکه کلیه براتع، جنگلها و... ملی خواهد شد، اراضی املاک و ابزار و وسایل تولید ملاکین و زمینداران بزرگ و بنیاد های مذهبی و... ضبط و بلافاصله در اختیار شوراهای اتحادیه های دهقانی قرار خواهد گرفت و از هر جنبش دهقانی برای مبارزه با ارضی که مضمون انقلابی داشته و از طریق و اشعار شوراهای کمیته های دهقانی باشد، حمایت بعمل می آید ضمن آنکه اراضی مکانیزه صرفاً بدوین تقسیم شدن تحت کنترل شوراهای کارگران کشاورزی قرار خواهد گرفت. این یعنی برنامه ارضی انقلابی که حرکت مستقل توده های دهقانی بویژه اقشار پایین آنها تشدید خواهد کرد و تسبیح اقشار پایین و پرولتاریای روستا را از بنیاد دهقانان متاثر خواهد نمود.

در مورد ملیتهای تحت ستم نیز، حقوق آنها در تعیین سرنوشت خویش تا سرحد جدائی بر رسمیت شناخته میشود ولیکن صالح انقلاب و منافع خود این ملیتهای در اتحاد مشترک برای تشکیل يك دولت مقتدر بوده ولی این امر اوطلبانه و نه اجباری است و خود مختاری وسیع منطقه ای برای ملیتهایی که کشور را تشکیل میدهند بر رسمیت شناخته میشود.

بطور کلی اساس این آلترناتیو در ارتکاب به حرکت و تفکر مستقل سیاسی کارگران و زحمتکشان و ابتکار عمل و مبارزه آگاهانه آنان است. این آلترناتیو ارگان قدرت بیزووائی را منحل و در گروین کرده و بجای آن ارگانسیم را از شوراهای کارگران و زحمتکشان قرار میدهد یعنی جمهوری مکرانیک خلق ایران، يك حکومتی از نوع کمون خواهد بود که در آن منبع

قدرت قانونی که در پارلمان مورد بحث قرار گرفته و تصویب شده باشد نبود بلکه ابتکار مستقیم توده ها از این و اصطلاح تصرف مستقیم است. تسلیح مستقیم مردم (کارگران و زحمتکشان) که در شرایط وجود این قدرت نظام امور کشور توسط خود کارگران و خود

زحمتکشان صلح حفظ میشود. مستخدمین دولت و دستگاه بوروکراتیک جای خود را به قدرت بلاواسطه ناشی از خود مردم متشکل در شوراهای واحد اقل تحت کنترل مخصوص آنها قرار میدهد. مقامات انتخابی با اولیون درخواست قابل تمهوض خواهند بود. و خلاصه سیستم اقتصادی موجود را در گروین خواهد کرد. و گذاری به سوسیالیسم محسوب خواهد شد. اشکال شورائی نیز سبب آنکه پس از انقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۷ خلعت جهانی یافتند و تجربه مشخص کارگران و زحمتکشان ایران نیز به نحو آرزوی رخ نمودند یعنی ان اشکالی که خصوصیات حاکمیت نوع کمون را رعایت میکنند در این جمهوری عمدتاً خواهند بود. شوراهای بهترین مکانیزم رشد مستقل آگاهی و تشکک توده هار در مبارزه انقلابی و برای سوسیالیسم فراهم خواهند آورد. در مورد مجلس موسسان نیز باید گفت که پرولتاریا همواره سیاستی گامی پیش از خرید و بیزووائی بردارد و خواستی يك گام بالاتر از آن طرح نماید. از این روکنگره شوراهای کارگران و زحمتکشان بالاترین ارگان تصمیم گیرنده در این جمهوری خواهد بود و کمونیستها بعنوان پیشاهنگان پرولتاریا تنها در صورتی به مجلس موسسان - آنهم بطور موقت - تن خواهند داد که اکثریت توده ها بعلت عدم رشد کافی آگاهی و عدم کسب تجربه کافی مبارزاتی هنوز به این نهاد موهوم و خواستار تشکیل آن باشند. و در این صورت پرولتاریا تنها با خاطر نشان - دادن عدم کارائی این مجلس در تقاضای باشوراهای (کنگره شوراهای) و بقصد کمک به توده ها جهت نفی این ارگان و تلاش به از درون ممکن است در آن شرکت بوزند. بهر رو هم شوراهای عالی تصمیم گیری کنگره شوراهای خواهد بود.

باتوجه به آنچه گفتیم جمهوری مکرانیک خلق ایران بخاطر آنکه پرولتاریا نیروی محرکه اصلی اثرات تشکیل میدهد و بدون رهبری پرولتاریا بیزووائی غیر ممکن است و بسبب آنکه بدون يك انقلاب سیاسی مجدد به جمهوری سوسیالیستی و سوسیالیسم فرامیرود و ارگان قدرت بیزووائی را در هم می شکند و همچنین بخاطر اشکال مبارزاتی پرولتاریایی که برای استقرار آن بکار گرفته میشود، در مقوله پرولتاری قرار دارد و هر چند که تنها آلترناتیو استراتژیک پرولتاریا سوسیالیسم است ولی این جمهوری خود از جهاتی که ذکر کردیم آلترناتیوی پرولتاری است یاد واقع آلترناتیو این مرحله پرولتاریا در مبارزه است. در این جمهوری ضامن حرکت پیشرونده سیاسی و اقتصادی بجلو فراروشی بی وقفه بسوی سوسیالیسم در اساس

پرولتاریایه تشکیک و مسلح است که بر مایندگان منتخب کارگران و زحمتکشان در حکومت بطور خاص و پرورند جامعه در روابط طبقات بطور اعم اعمال همومونی خواهد کرد بویژه آنکه با حرکت هر چه سریعتر بسوی سوسیالیزم روابط و توازن طبقاتی نیز د ابعاد رحال تغییر بوده و ضد پسند در بویژه بحفاظت کاران امروز شاید دشمنان فدای پرولتاریا تبدیل شوند و صف بندی - انقلاب و ضد انقلاب بطور اتم تار میسند هدف نهایی دستخوش تغییر گردد .

### آلترناتیو . . .

بقیه از صفحه ۱۳

بجه بصورت روی آوری بخش قابل توجهی از آنان به تفکر مستقل سیاسی که در جریان انقلاب توانسته بازمه خواهد توانست زمینه ساز روی آوری افسران و پرسنل جز" بسوی انقلاب باشد، محل اتکای این آلترناتیو و کودتا باشدت تضعیف ساخته و خواهد ساخت .

۴- اختلافاتی که بهر رو بین سپاه و ارتش، نیروهای مسلح کلاسیک سابق و ارگانهای چون سپاه و کمیته و . . . وجود دارد که هر یک عمدتاً از قشر خصوصی از - بویژه وازی حمایت میکنند امکان مانور سلطنت طلبان را محدود تر میکند .

بصورت قدرت را بکل بویژه وازی و بویژه وازی بزرگ ناچار است منتقل کند . یعنی - " د مکرسی " و ده داده شده است این آلترناتیو یک سراب و یک فریب بیش نبوده و واقعیت نهایی و قابل تثبیت تنها یک رژیم دیکتاتوری سرمایه عربان خواهد بود .

زمینه ها که وجود دارد:

۱- توده ها هیچ آلترناتیو مشخصی - دیگری را مد نظرند دارند . نیروهای کمونیست و سایر انقلابیون نتوانسته اند جانشین و آلترناتیو مشخص خود را همین در ذهن توده ها جای دهند . توده ها هیچگاه در پروسه مبارزاتی از نظر زمانی نزدیک آلترناتیو انقلابی را تجربه نکرده اند ( مگر به شکل نطفه ای در قالب شوراهای کارگری و کمیته ها و شوراهای دهقانی بویژه در ترن صحرای یار مناطق چون کردستان و . . . ) از همین رو اگر چه ذهنیات توده های زحمتکش به هیچ وجه در جهت حمایت از آلترناتیو سلطنت طلبان نیست ولیکن نفی رژیم جمهوری اسلامی جانشین رابه از همان آنهاستاد نمیکنند و فقط تصور ( بازمه نفی کننده ای ) از سلطنت طلبان و کودتا دارند . توده ها هنوز نیروهای کمونیست و انقلابی را بعنوان آلترناتیو نگاه نمیکنند .

این نکته در حقیقت مایه این نتیجه مهم رهنمون میشود که اگر بخواهیم از رویی که برای بدستی دوام آورد صحبت کنیم تنها دو آلترناتیو قابل تثبیت یکسوی آلترناتیو بویژه وازی بزرگ دیگری آلترناتیو پرولتری میتواند وجود داشته باشند و آلترناتیو شورای ملی مقاومت در صورت خزیدن بقدرت سرعت به آلترناتیو اول ( الف ) حال به اشکال گوناگون ( ونه الزام سلطنت ) تبدیل خواهد شد .

چنین صحتوایی برای جمهوری د مکراتیك خلق ایران ، یعنی آلترناتیو پرولتری در این مرحله صلحاً مبارزات کمونیستی بسرای رسیدن به آن واستقرارش ، ویژگیهای خاصی می بخشد که عناصر این آلترناتیو را در خود جای داده است . از همین روست که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نه بهر طریق بلکه تنها از طریق انقلابی یعنی اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلمانانه توده ای در دستور قرار گرفته و نقطه اتکا بر نیروی مستقل و انقلابی کارگران و زحمتکشان مبارز متشکیک در کمیته های مخفی اعتصاب و مقاومت و ازان طریق بر نیروی اکثریت توده - ها استوار خواهد بود . البته این ارگانهای سازماندهی توده ای تنها در صورتی که تحت رهبری سوسیال د مکراتیك از طریق هسته های صریح و واحد های سازمانی قرار گیرند خواهند توانست اهداف فوق را اجرا در آورند و نطفه شوراهای ( واتحادیه ها ) کارگران و زحمتکشان باشند .

### شانس و وضعیت کمونی این آلترناتیو چیست؟

مادر اینجاست صرفاً سعی میکنیم تا بطور خیلی فشرده و مختصر اهم عوامل و پارامترها - بی راکه در پاسخ به این پرسش نقش دارند و عبارت دیگر چکیده دلایل له و علیه احتمال قدرت یابی این آلترناتیوها را ارائه کنیم :

۲- حمایت مادی ، سیاسی و تبلیغاتی اصرالیستها فاکتوری است که این آلترناتیو به تمام و کمال میتواند بر روش حساب کند .

دلایلی که بر علیه آلترناتیو الف وجود دارد :

۱- تجربه چندین و چند ساله زندگی توده ها تحت استثمار و سرکوب چنین رژیم می در گذشته نزدیک و باقی بودن نفرت آنها از این چنین رژیم حامی سرمایه داران بزرگ ، زمین داران و اشراف بویژه و غارتگر به عنوان پایگاه اصرالیستها .

ضمناً بعض سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی دولت موقت انقلابی که ارگان قیام مسلح توده ای است شکل گرفته و توانا استقرار کامل جمهوری وظایف انقلابی مربوطه رابه پیش خواهد برد و موظف است تا بلافاصله مطالبات و اقدامات حداقل مورد تقاضای پرولتاریای ایران را ( که دارای ویژگیهای خاص خود به نسبت مطالبات - حداقل پرولتاریای کشورهای دیگر است ) به اجرا در آورد .

\* \* \*

مطلب برجسته و قابل تذکر و آنچه که اهمیت دارد اینست که بد انیم آلترناتیو الف ( بویژه وازی بزرگ سلطنت طلب ) و آلترناتیو ب ( شورای ملی مقاومت ) وجه مشترک - اساسی دارند باین ترتیب که آلترناتیو ب نیز برخلاف آلترناتیو پرولتری ارگان قدرت بویژه وازی ، ارتش کلاسیک ، بویژه وازی سیستم سرمایه داری وابسته و . . . را حفظ میکند و از همین رو آلترناتیو ب که ادعای یک رژیم " د مکرسی " و " حکومت ملی و مردمی " دارد چنانکه نشان دادیم و درست بخاطر ترکیب طبقاتی خویش و حفظ ارگان سلطه بویژه وازی به هیچوجه یک آلترناتیو قابل تثبیت نبوده و در صورت روی کار آمدن قطعاً

۳- رشد جنبش انقلابی توده ها ، ناآرامی در نیروهای مسلح ، بویژه ارتش را بعنوان پایگاه اصلی قدرت گیری این جریان بشدت افزایش خواهد داد و چند دستگی و پراکندگی صفی نیروهای مسلح را بعزای بر اتب بیشتر از آنچه که امروز نیز هست بیشتر خواهد کرد . ضربات کوبنده جنبش انقلابی و قیام ۵۷ در تضعیف گرایش سلطنت طلبی و حامی چنین آلترناتیوی چه بصورت باقی گذاشتن نوعی ترس و ابهام در اذهان پرسنل

بقیه در صفحه ۱



### هنوز آنچنان قابل انگیزه

نسبت بلکه چنانکه گفتیم سوی چشمه و گروه بندی و انفکاک و تجزیه بیشتر بر مستمر رفته جنبش پیش می رود .

ب - در مورد آترناتیو لیبرال -  
د مکرانیک شورای ملی مقاومت

### دلایلی بر علیه این آترناتیو

۱ - ائتلاف مجاهدین خلق با نسج -  
صدر بهشتین ضربات را بر این جریان وارد آورده است و وجود بنی صدر و طیف السوان لیبرالها و مدعیان دروین د مکرانسی حول این "شورا" که در اعمال جنایت و سرکوبی جنبش انقلابی توده ها، بویژه در کردستان ترکمن صحراء را شگشا میسازد و ضربه وارد آوردن به انقلاب کویاھی نکردند است و شدت از اعتبار سابق خود مجاهدین نیز در نژاد توده ها کاسته است .

۲ - برنامه های این جریان بهیچوجه پاسخگوی خواستهای واقعی کارگران و زحمتکشان و نیازهای اقتصادی - اجتماعی این مرحله از تحول جامعه و مبارزه طبقاتی نبوده و تنها بشکلی نهم بند و سرودم بریده آنهاست تنها برخی از این خواستها و نیازها و عمدتاً در حد شمار و رقیق و در خود متعکس ساخته است .

۳ - حرکتیهای جد از توده ها و نیروی فردی و بلا تکلیف و تلاش برای تصرف قدرت از بالا و بدون اتکالی به جنبش واقعا انقلابی کارگران و زحمتکشان ، هرچه بهشتین جریان را -  
نزوی ساخته و میسازد .

### برخی دلایل بر له آن

۱ - علیرغم ضعف های فوق ، مجاهدین خلق بعنوان یک جریان خرد ، بیرواکی و سالیانست در عرصه مبارزه علیه شاه و -  
همچنین علیه رژیم کمونی بود ، اند و از آنرو که درجه سازماندهی آنها نیز در حد پائینی نیست و هرچند شکل این سازماندهی منطبق با نیازهای جنبش نبوده و صد تاجدا از توده ها است ولیکن در مقایسه با جریانات دیگر انجم حداقل و موثقی به آنان جهت مانور در جریان انقلاب خواهد داد . قدرت نظامی و رزمی مجاهدین نیز تا حد زیادی میتوانست بهنگام تکامل اشکال قهرآمیز مبارزه توده ها ، خود بخود از جذابیت و کنش

بیشتری برخوردار شود و امکان مانور به آنها بدو در مجموع این امکان بکلی غیر محتمل نیست که بر مستر ضعف جنبش کمونیستی و آگاهی معدود یاعدم آگاهی توده ها این آترناتیو تحت شرایط خاص ممکن است بیج جنبش توده ای و قیام سرشار شود و در این نسبتاً مشابه سال ۵۷ و قدرت گیری موقت را بدین روشهاست .  
۲ - بیو حتن حزب د مکران کردستان بعنوان یک جریان ، هرچند تنها در منطقه کردستان که بنایه ماهیت طبقاتی

به این جریان طعنی شده ، امکان مانور آترناتیو شورا را بیشتر کرده است .

۳ - حساسیت امپریالیستها و مجموعه بیرواکی نسبت به این آترناتیو با توجه به برنامه های بیرواکی - رفرمیستی که وعده میدهند ، کفراست .

### ج - در مورد آترناتیو پرولتری

#### عوامل منفی:

۱ - ضعف جنبش کمونیستی و راکندگی صفوف آن و نبود حزب طبقه کارگر .

۲ - کشیده شدن نمایندگان خرد و بیرواکی د مکران به سمت بیرواکی لیبرال بر این اساس که خرد و بیرواکی بهیچوجه قادر به اتخاذ یک موضع طبقاتی مستقل از پرولتاریا و بیرواکی نبوده و میان این دو طبقه نوسان میکند و بر مستر این تأثیرگیری خویش و ضعف کمونیستها .

۳ - توده ها هنوز در چارنوهات مذهبی هستند نسبت به ایده های کمونیستی به سادگی موضع پذیرش نشان نمیدهند هر چند که جنایات رژیم خمینی تا همین سادی در کم کردن اینگونه توهمت داشته است .

۴ - کارگران و زحمتکشان ما تجربه - مشخص پایداری از یک حکومت و آترناتیو انقلابی راند داشته و هم اکنون نیز بسبب ضعف نیروهای کمونیستی و انقلابی در کم واضحی از یک آترناتیو پرولتری ندارند .

۵ - کشورهای امپریالیستی و تمامی بیرواکی داخلی تمام تلاششان را صرف جلوگیری از قدرت گیری چنین آترناتیوی کرده و خواهد کرد .

### دلایل بر له این آترناتیو

۱ - شدت بحران و نارضایتی توده ها و تداوم طولانی آن راه حلهای میناچینی را در نهایت نمیتواند پذیرا باشد و بخصوص که در جوامعی چون ایران امروز راه حل های دیگری قابل شنیت .

۲ - رشد آگاهی طبقاتی و احساسات و تشکیلات آنها بهر حال به مراتب از مقطع سال ۵۷ بالاتر است . بویژه در مورد کمونیستها و اندیشه های کمونیستی جنبش انقلابی خلق کرد ، شیواهای کارگری و دهقانی ( بویژه در ترکمن صحراء ) در جریان پس از قیام ۷۷ نیز اثرات مثبتی بر این آگاهی گذارده است .

۳ - جریانات بیرواکی تا حد زیادی در جامعه افشا و رسوا شده اند و مجاهدین شورای ملی مقاومت نیز نتوانسته اند ، علیرغم ضعف کمونیستها و ایجابی برای خود بازکنند .

۴ - روند تحولات و مبارزه حاد طبقاتی توده ها را با سمت مبارزه انقلابی سوق میدهد و صحت شعارهای سوسیال د مکرانیک را به

## آترناتیو . . .

بقیه از صفحه ۱۴

تدریج به آنها نشان میدهد و زمینیه بسج شان تحول برنامه انقلابی پرولتاریائی را فراهم میسازد . انطباقی مبارزات انقلابی توده ای با شعارها ، تاکتیکها و اهداف ف سوسیال د مکرانیک یک فاکتور مثبت مهم تلقی میگردد و سرعت بر اعتبار و قدرت کمونیستها و بریز سازمان خواهد افزود .

### آیا ما بیروز خواهیم شد ؟

بصارت صحیح تر آیا انقلاب بیروزمندی رخ خواهد داد و آترناتیو پرولتری در این مرحله ( جمهوری د مکرانیک خلق ) شکل خواهد گرفت ؟ صلح عوامل متعددی در این امر مؤثر هستند و پیشگویی جنگی تعادل قطعی این له و علیه ها در مورد این آترناتیو ممکن نیست و این مسئله تنها با بستگی ندارد . وظیفه مانین بهیچوجه پیشگویی بیابرمایانه نیست ولی در مورد اینکه برای چه هدفی باید مبارزه کنیم و توده های کارگرو زحمتکش را یکدست و سو رهنمون شویم و جای هیچگونه شک و شبیه ای نیست . - پاسخ ما یک کارگران انحصاری در کارخانه ها به زحمتکشان شهرکها ، به دهقانان و ملیت های تحت ستم و . . . که ما را در مقابل این پوستی که بغا طریجه باید قیام کنند و چه چیزی را باید سعی کنند بدست آورند و در صورت سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی چه حکومتی را باید جایگزین سازند و مشخص است : استقرار یک دولت موقت انقلابی بعنوان ارکان قیام بیروزمندی -  
ها باضمون دیکتاتوری د مکرانیک انقلابی کارگران و زحمتکشان که حداقل مطالبات پرولتاریای عنوان را میبایستی بلافاصله به اجرا گذارد و شکل گیری جمهوری د مکرانیک خلق که شیواهای کارگران و زحمتکشان به عنوان سنگ بنای آن و مکتبه شیواها بعنوان عالی ترین مرجع تصمیم گیری است . مسلماً حصول این هدف که بنیبه خود برای فراروش به سوسیالیسم صورت میگردد و مستلزم این است که ما از هم اکنون تدارک لازم را برای تصرف قدرت دیده باشیم و در آن هان توده ها شعارها را و اهداف خود را گسترش داده باشیم . باید تمامی تاکتیکها و عملکردها خود را در مبارزه امروز با سمت گیری تصرف قدرت توسط کارگران و زحمتکشان منطبق و هماهنگ ساخته باشیم . نمونه مبارزات توده ای که بوقوع میپیوندد ( مثل نمونه افسریه ) نشان میدهد که توده ها هنوز در رحد نفسی رژیم کمونی و رژیم گذشته آنها نفی ای تجربه می یابند نه کاملاً مست گیری شده است به سمت خامین و -  
آترناتیو انقلابی و پرولتاری است میباشند و وقتی توجه و اهمیت فوق العاده زیادی که لینین برای فود المثل شعارها و مطالبات

بقیه در صفحه ۱۴

آئینزاتنیو . . . بقیه از صفحه ۱۵

کارگران پتروشیمی در ۱۹۱۲ در روسیه قاتل میشوند و اینکه این مبارزات حول شعارهای انقلابی سوسیال دموکراتیک، روزگاری ساخته، سرنگونی حکومت تزاری و برقراری جمهوری دموکراتیک بوده، مشاهده میکنیم و میزان نفوذ شعارهای سوسیال دموکراتیک و لیبرالیسم را در میان کارگران و زحمتکشان در آن هنگام با میزان نفوذ خود مقایسه میکنیم، می بینیم که ما هرگز نخواهیم توانست جمهوری دموکراتیک خلق را پی افکنیم، هرآینه نتوانیم نقش فعال و تعیین کننده ای در جنبش لیبرالیسم داشته باشیم. مشکل تر شدن صفوف کمونیستها، بدون سازماندهی منطبق بر دوران انقلابی و دستگیری در راستای هدف دیرینه جنبش کمونیستی ایران یعنی حزب طبقه کارگر که پیروزی قطعی انقلاب بدون حصول آن غیر ممکن است، بدون دادن زمین بسوی مبارزات انقلابی تحت شعارهای سوسیال دموکراتیک سازماندهی انقلابی جنبش نبود، ای سختی هم از پیروزی نمیتواند در میان باشد.

**آنها ما پیروز خواهیم شد؟**  
برای پیروزی شدن در یک مبارزه ابتدای صیابستی به امکان پیروزی ایمان داشت. چگونه میتوان در مبارزه ای خود بخود به پیروزی رسید بدون آنکه چنین ایمانی از پیش وجود داشته و سازماندهی مبارزه در راستای این پیروزی بطور یکجمله آمده باشد. چگونه میتوان به پیروزی رسید بدون آنکه مبارزه یک جنبش مدعیان کمونیستی که به عبت از شکست جنبش در حال حاضر یا حتی قطعی بودن شکست در نبرد تعیین کننده آیند، سخن میرانند و آن مارکسیست نمایان لیبرالی که بخاطر ضعف امروز ما قطب نمای خود را بر کیمه آمال خرد و پیرواها و پیرواها تنظیم کرده، رسالت جنبش کمونیستی و پرولتاریارائی کرده و بدین وسیله یا کمین تیزی به آرمان پرولتاریا میخواهند (هر چند که نمیتوانند) این ضعف را بسوی سازند و بسا آنها که با انقلابی نمایی نداشتند و مستعدی خواستار حصول و استقرار فوری سوسیالیسمند، چیزی که هیچگونه بطور بلا واسطه امکان تحقق ندارد و از این رو بایستند اندن مبارزات اقشار وسیع خرد و پیروا و بیاحتی ارتجاعی خواندن آنها پرولتاریار از ضد بین خویش محروم ساخته جنبش را بدین وسیله تضعیف مینمایند.

و پرولتاریا چگونه خواهد توانست تادار این مرحله بدون دادن زمین به مبارزات انقلابی خویش و ضد خرد و پیروا و بی سوسیالیست خود، هر چند بعنوان متحدین ناپیکر و مردد، و بیشتر در یک مبارزه مشترک انقلابی با ما هم و هر چند چند ای از هم از هر زفتن این نیروی مست مناف بلا واسطه در زمانه جلوه گیری نماید و بکانهی دموکراتیک انقلابی کارگران و زحمتکشان را به رهبری خویش ستیز سازد؟ البته خدا

کردن بنی صدارت جاهدین معادل - کشانیده شدن خرد و پیروا و بی سوسیالیست - باید توجه داشت که کشانیده شدن خرد و پیروا و بی سوسیالیست بطور کلی و بعنوان یک تشو طبقه است پرولتاریا است که شکستن ائتلاف را محتل میکند و نه بالعکس. و این مکن نیست مگر از طریق توسل به سازماندهی مستقل پرولتاریا و توده های انقلابی و عدنا از این طریق اعمال فشار مستر بر این ائتلاف.

هم و عم ماکشید، شدن دهقانان و خرد و پیروا و بی سوسیالیست (اقتاریا بین و متوسط) است پرولتاریا است چه بسا رهبری مجاهدین تا انتها خواهد به شی لیبرال دموکراتیک باید آرماند این مهم نیست. مهم اینست که این تشو طبقه اجتماعی است پرولتاریا در عمل شخص مبارز استی بیاید.

**آنها ما پیروز خواهیم شد؟**  
مسلما نفوذ مادرین توده های سوسیال ناچیز است. ما هیچگونه موفق نشده ایم کارگران و زحمتکشان را چنانکه باید به گرد برنامه انقلابی پرولتاریائی جلب کنیم. ما حتی - بد تر از آن - توفیق نیافته ایم کلیه نیروهای هوادار و وسعت سازمان خود را نیز سر سامان دهیم و نیروی عظیم آنان را برای شرکت هر چه وسیعتر در مبارزات توده ای و سازماندهی آنها بسیج شان حول برنامه عمل انقلابی خویش تحقق سازیم. آری! ما از کمبود نیروی ناچیز ولی بواقع خیل عظیم نیروهای که با هم اکنون وفادارند سازمان ندارد، ایم. نفوذ مادرین توده ها نیز نیست. البته پیدا میشوند کسانی که خود روند تکامل و شدت یابی مبارزه طبقاتی انقلابی را در جامعه، عاملی مهم در جلب توده های وسیع برنامه انقلابی پرولتاریائی تلقی می کنند، که این البته یک واقعیت مسلم است و لیکن نباید فراموش کرد، اگر در جریان توفانهای انقلاب ۵۶ و ۵۷، خمینی و شرکا، بنابه لطف امپریالیستها از گوشه و کج عزلت! بد رآمده، بر هیچ جنبش انقلابی توده ها سوار شده، و قدرت رسید، این - اتفاق هیچگاه و هرگز برای ما رخ نخواهد داد. چرا که ما دشمنی امپریالیستها را برای خود با مبارزات و برنامه انقلابی خویش سازما است که خریدیم ایم و اینکه قدرت یابی انقلابیون و کارگران و زحمتکشان متشکل شده حول برنامه انقلابی زبرای اهداف انقلابی، یک روند آگاهانه است، قدرت ما و توده های انقلابی در آگاهی و حسن نظر به اهداف انقلابی و نه در نا آگاهی و بیسوفرض - ها و عقب ماندگیهای ذهنی آنهاست.

**ما هیچگاه به قدرت دست نخواهیم یافت**  
هرآینه بر آگاه کردن کارگران و زحمتکشان و مستر در هی آگاهانه مبارزات آنان حول شعارها و اهداف انقلابی خویش

**توفیق نیابیم.** قدرت ما در آگاهی و حرکت مستقل و انقلابی توده های است.

**آنها ما پیروز خواهیم شد؟**  
ما چگونه خواهیم توانست به پیروزی برسیم و کارگران و زحمتکشان چگونه خواهند توانست تحت رهبری پرولتاریا و سوسیال دموکراتیک قدرت را تصرف کنند، اگر برای تصرف قدرت تدارک لازم دیده نشده - باشد. کارگران و زحمتکشان تحت رهبری سوسیال دموکراتهای انقلابی هیچگاه اتفاقی

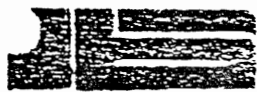
قدرت نخواهند رسید. و ما چگونه خواهیم توانست پیروز شویم، هرآینه تدارک سیاسی - نظامی قیام رانه عنوان در روند محرز بلکه در ارتباط کاملا ارگانیک و بهم پیوسته نتوانسته ایم به پیش ببریم.

**آری رفقا نفوذ مادرین توده ها هنوز کم است** و این وظایف و مسئولیت ما را در قبال حشر فوق العاده افزایش میدهد. اما بدویشک امکان پیروزی وجود دارد و ما باید برای آن کار کنیم:

**ما هیچگونه طرفدار خوشبینی غیر انقلابی نیستیم.** ما هیچگونه دشواری عظیم این وظیفه را فراموش نمیکنیم. ولی وقتی به مبارزه اقدام می نمائیم باید خواهان پیروزی باشیم و متوانیم راه واقعی وصول به اثر نشان دهیم. تمایلاتی که نتواند ما را به این پیروزی برساند بدون شک وجود است راست است کفوف ما یعنی نفوذ سوسیال دموکراسی بر توده پرولتاریا هنوز خیل کم است و اعمال نفوذ انقلابی بر توده دهقانان بکلی ناممکن است، بر آنکه کسی، بی فرهنگی و بیجهل پرولتاریا و بالاخص دهقانان هنوز بی اندازه عظیم است، ولی انقلاب سرعت مجتمع مینماید و سرعت از دهان راروشن مبارزه، هر گامیکه انقلاب بسوی تکامل بر میدارد توده را باید از میکند و تاثیر غیر قابل دفعی او را بطرف برنامه انقلابی یعنی بکانه جنبشک بطسور بیکدیگر منسجم و معنی شافع واقعی و حیاتی وی را منعکس میکند، بکشاند. ( ۷ )

**آری رفقا امکان پیروزی ما وجود دارد** ولی این امکان ناشی از چیست؟ امکان پیروزی ما وجود دارد چرا که جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان می رود تا آنوقت را در هم شکند و انقلاب گسترده و برداشته ای را رقم زند، و روند تحولات به موقعیت انقلابی بیانجامد. امکان پیروزی ما وجود دارد، چرا که تجربیات انقلابی سالهای ۵۶ و ۵۷ و پس از آن اینبار به نحو چشمگیری در خدمت مبارزه توده ای قرار خواهد گرفت. امکان پیروزی ما وجود دارد چون توده ها نسبت به ماهیت سلطنت طلبان و ضد انقلاب مغلوب شناخت دارند و پیروا و عمالک خود را از قلاب آنان محرز است. و بدون الترناتو در بگردمعی قدرت، یعنی شرای ملی مقاومت در طول دو سال و اندی تا حد زیادی - باهیت پیروا - لیبرالی و نه انقلابی خود را آشکار کرد، و پیروا بنی صدرها و بیگانه ها نشان د بر این روند هست بقیه در صفحه ۲۰





گرفته است نقش نیروهای نظامی در سرنگشت نظامی قیام بصورت بارزی مؤثر بوده است. در پروسه اوج گیری جنبش توده ها نیروهای نظامی نیز تحت تاثیر بحران انقلابی قرار گرفته و متزلزل میشود. انقلاب به آنها نیز سرایت میکند و خود را از طریق فرار از پادگانها، سرپیچی از اوامر فرماندهان، انشقاق در صفوف نیروهای مختلف نظامی، خرابکاری تردید در اقدام به عمل و پیوستن به صف انقلاب بروز می دهند پیشاهنگ در دوران تدارک نظامی وظیفه دارد که این روند خود - انگیزته را به روندی آگاهانه، تشدید شده و در راستای منافع توده ها هدایت کند. لنین در ارزیابی قیام ۱۹۰۵ مسکو به نقش مبارزه انقلابی در حدت یابی دودلی و تردید ارتش و مبارزه ای که بر منای این دودلی ارتش بین ارتجاع و انقلاب برای جلب ارتش انجام میگیرد اشاره کرده و می گوید: باید شهادت داشت و صریح و آشکار اعتراف کرد که ما در این مورد از دولت عقب ماندیم ما نتوانستیم از نیروهایی که در اختیار داشتیم برای همینگونه مبارزه فعالانه، شجاعانه، متکثرانه و تعرض آمیزی که دولت برای جلب ارتش متزلزل بدان دست زد و از پیش برد، استفاده نمائیم. پس از این لنین بارها به مسئله نقش و اهمیت جلب ارتش در پیروزی قیام اشاره میکند و در مورد انقلاب روسیه میگوید: پیشاهنگ باید بفهمد که شرایط اساسی قیام سلححانه بموقع یعنی قیام پیروزمندانه - در روسیه عبارتست از پشتیبانی دهقانان و مزارات از طبقه کارگر و شرکت فعال ارتش در آن. (اعتلاء انقلابی) و بالاخره بشمیکها با بهره گیری از تجارب انقلاب ۱۹۰۵ توانستند با جلب بخشی از ارتش در ۱۹۱۷ انقلاب را به سرانجام برسانند.

جنبش انقلابی سال ۵۷ و قیام بیمن ماه نیز تجربه یا ارزشی از جگونگی تاثیر انقلاب بر صفوف نیروهای نظامی و نیز نقش مؤثر بخشی از این نیروها ( عمدتا همان فرمان ) در جریان قیام سلححانه ( ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه را در دسترس قرار داده است.

رژیم جمهوری اسلامی با توجه به تجربه سال ۵۷ و تداوم مبارزات توده ای، در کنار نیروهای نظامی موجود ( ارتش، پلیس و ... )

که دیگر سلاحهای قابل اتکا - اعتمادی نمی توانستند بحساب آیند، ارگانهای سرکوبگر جدیدی را ( سپاه، کمیته، بسیج ) بر منای تسلط ایدئولوژی اسلامی پایه ریزی کرد. فرض ایجاد آن چنان تشکیلات نظامی بود که دیگر همچون قیام بهمن ماه، تحت تاثیر تعرضات انقلاب قرار نگیرد، متزلزل نشود و تا به آخر از "حکومت الله" در زمین توسط ولی فقیه حراست نماید. اما این حسابها چندان هم دقیق نمی تواند باشد. عملکرد قرون وسطایی این ارگانها نسبت به سرکوب توده ها و بویژه "کفار و منافقین" (کمونیستها و مکرانهای انقلابی) در تداوم خود و با رشد جنبش انقلابی، حداقل بخشها و عناصری از آن را به برد خود تبدیل میکند. بعلاوه سلطه ایدئولوژیک بر این ارگانها پوششی بر منافع طبقاتی این مزدوران است، آنها خود تحت تاثیر جناح بندی های حکومت قرار گرفته و دسته بندیها را در خود منعکس میازند. از اینرو آنچه که بنا بود نقطه قوت باشد خود به نقطه ضعف و علت شکست تبدیل میشود. اما آنها بدلیل پایگاه لومینی خود در وجه غالب، وفادارتر از ارتش به ضد انقلاب حاکم خواهند بود.

بهر حال، در اینجا قصد ارائه یک تحلیل منسجم و دقیق از وضعیت نیروهای نظامی رژیم را نداریم. غرض بیان وظیفه ای است که رهبری قیام در دوران تدارک قیام نسبت به شناخت وضعیت دقیق نیروهای نظامی، نقاط قوت و ضعف، روابط بیمن نیروهای مختلف نظامی با یکدیگر درجات شکستگی و امکانات جلب واحدهای مختلف به انقلابی غیره بر عهده دارد. تنها کافی نیست که در انتظار شکستگی نیروهای نظامی تحت تاثیر تبلیغات عمومی سازمانهای انقلابی و جنبش انقلابی بود. بی تردید مبارزات توده ها و اقدامات تبلیغی - عملی سازمانهای انقلابی در نیروهای نظامی نیز سرخ می یابد اما وظایف دوران تدارک اقدامات مشخص و مستقیم در بین نیروهای نظامی را طلب میکند. از جانب پیشاهنگ پرولتاریا، تشکیل هسته های سرخ و کمیته های مخفی مقاومت در میان پرسنل انقلابی و تبلیغ و ترویج وظایف و اهداف قیام و نیز با برخورداری از حرکت عمومی پیشاهنگ در سطح جامعه

### قیام و . . .

بقیه از صفحه ۸

تشکیل گروه های هوادار و بالاخره اتحاد عمل با سایر نیروهای انقلابی و مبارزترین و آگاه ترین نیروهای پرسنل ارتش و غیره در جهت ایجاد هسته های مخفی مقاومت و از آن طریق حرکت در جهت جلب بخشهای بالقوه آماده نیروهای نظامی به صف انقلاب از وظایف اساسی دوران تدارک نظامی بحساب میاید.

و بالاخره در آخر باید به پایگاه های پارتیزانی در مناطق آزاد شده ( در حال حاضر در کردستان ) به مثابه رکنی از ارکان تدارک قیام یاد نمود. اگر فعلیت مسئله ملی در کردستان و تداوم جنبش انقلابی خلق کرد را، صرفا بنا به بحث کنونی و فقط از زاویه نظامی قیام سلححانه سراسری هم مورد توجه قرار دهیم، نقش بس ارزشمند این جنبش را در کل تدارک قیام می توان مشاهده نمود. تضعیف نیروهای سرکوبگر و پراکندن نیروها از یکطرف و از طرف دیگر ایجاد امکانات تدارکاتی برای نیروهای انقلابی و ایجاد زمینه برای تربیت کادرهای نظامی قیام، از حداقل دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد محسوب می شود. این جنبش عناصر مهمی را از رابطه بین جنبش سلححانه طولانی مدت و قیام سلححانه آشکار نموده است که با جمع بندی از دستاوردهای آن ( و نیز عطف توجه به نمونه های مشابه در جنبش های انقلابی جهان ) دستمایه های قیام در این مورد در اختیار پیشاهنگ و سایر نیروهای انقلابی در پیشبرد جنبش توده ها قرار میدهد. البته باید توجه داشت که شکل گیری کانون های پارتیزانی فقط منوط به وجود مسائل ملی نمیشد. اگر چه وجود مسئله ملی شرایط مساعدی از جمله توده ای شدن مبارزات را امکان پذیر میسازد، اما تحت شرایط خاصی، نیروهای انقلابی در سایر نقاط نیز مبادرت به تشکیل کانون های پارتیزانی در چارچوب تدارک قیام می نمایند. نمونه ای از این کوشش ها طی دو سال گذشته در جنگهای شمال ادامه داشته است.

باره ای از مهم ترین وظایف تدارک نظامی بقیه در صفحه ۱۸

قیام و . . . بقیه از صفحه ۱۷

قیام که در اینجا  
- البته در حد طرح موضوع  
مورد بررسی قرار گرفت سنگین  
بار وظایفی که بر عهده پشاهنک  
و سایر نیروهای انقلابی در این  
مرحله از انقلاب قرار دارد را به  
روشنی آشکار میگرداند. اما حفظ  
خواهد بود که تصور شود در  
شرایط طوفانی جامعه ما همه چیز  
باید از صفر، گام به گام، باطمینان  
انجام یابد. جامعه ما اکنون بر  
انبار باروت ایستاده است، توده  
ها آماده انفجارند و تضاد های  
درون حاکمیت خود به نحو  
که هر دم همچون جرقه ای می  
تواند بر انبار باروت سرایت کند.  
همه چیز مضمون سرنگونی را در  
خود منعکس میسازد. ما نشان  
می خواهیم یعنی مرگ بر خمینی،  
ما برق می خواهیم یعنی مرگ  
بر خمینی . . . و مرگ بر  
خمینی یعنی مرگ بر رژیم

در خطوط کلی خود ترسیم کنیم.  
رهبری انقلابی بر قیام از طریق  
اجرای وظایف امروز در راستای  
اهداف قیام رقم میخورد، اجرای  
وظایفی که طی آن توده ها خود  
رهبری را بر میگزینند. بجز این  
باید دید که کدام طبقه بر  
انفجار توده ها سوار خواهد شد؟  
خرافات، سنن و عادات، پاسخ  
مناسبتی به مسئله خواهند داد.

- منابعی برای مطالعه:  
انگلس: انقلاب و ضد انقلاب در  
آلمان.  
انگلس: مقدمه بر جنگ داخلی در  
فرانسه.  
مارکس: جنگ داخلی در فرانسه  
(کمون پاریس).  
لنین: جنگ چریکی.  
لنین: در سبهای قیام مسکو.  
لنین: مارکسیسم و قیام.  
لنین: اندرزهای کناره نشین.  
لنین: نامه به اعضا کمیته  
مرکزی.  
کمینترن: قیام سلطانه.

جمهوری استدمی. این استغریار  
توده ها که اوج میگیرد و سراسری  
میشود، به نیروی مادی بدل می  
شود و با تکیه بر کلیه بخشهای  
سیاسی و نظامی خود طی شش  
سال گذشته متفجر میشود. اما  
کدام طبقه این انفجار توده ای را  
رهبری خواهد کرد، و با اجازت  
دعید این احتمال را هم مطرح  
کنیم کدام طبقه بر این انفجار  
توده ها سوار خواهد شد؟ تاریخ  
پاسخ مشخص خود را خواهد داد  
اما ما فضل فرودشان بی مایه ای  
خواهیم بود اگر هر این جواب به این  
سؤال که از طریق اجرای وظایف  
امروز ما در دوران تدارک قیام  
محک میخوریم، موقوف به تضاد  
تاریخ در نظر داریم. این  
این سری مقاله ها کوشش کردیم  
با توجه به شرایط خود ویژه حاکم  
بر جامعه و موقعیت طبقات، و با  
توجه به وظایف دوران تدارک  
سیاسی و نظامی و نقش اساسی  
و مسلط ابطی بر دومی و شرایط و  
مختصات گسب رهبری بر قیام را

گودستان . . .

بقیه از صفحه ۱

درس زندگی می آموزند!  
کمی در بر درون خانه دره بره های گوجولو  
کنار مادرانشان بخت و خیز می کنند یکی از  
بره ها خود را با بره رش چسبانده و خیسره  
خیوه او را نگاه میکند. نویی مادرش بهترین  
گوسفند نیست! سمت چپ چراگاه چسب  
ردیف چادر، نظم کنار یکدیگر قطار شده  
است. هر چادر خاتون و آواره ای را در خود  
جای داده است. آواره ها، روستائیان  
هستند که مرغ و خروس و بوقلمون بخانسه و  
کاشانه خود زار هائند. برای فرار از زسر  
توب و خنجر خمینی به اینچایانه آورده اند  
با چند دسته از آنها همسایه بودیم و همسفر.

صحنه هایی را داشتند. چهار سال توب  
و خنجره و سب تجارب زیادی به آنها  
آمیخته است. چهار سال آوارگی و دردی-  
آنها را سخت و مقاوم کرده است. همسفر  
سیر نیویا مشخص شده بود. ارتش و  
پاسداران ارتجاع از پشت کوه های دور -  
دست رستار اهداف گرفته بودند. طولی  
نشد که سر عقب نشینی، مشخص شد. مردم  
آبادی بیمر آکا و عاگوسفند ان سمت سیر  
عقب نشینی هدایت شدند. زنجیری  
طولانی از تودک و بیرون و بیرون در پناه  
دره ادامه داشت که به سوی نقطه ای  
نامعلوم کوچ میکرد در جهت مقابل، از -  
بلندای صخره های پشمرگان قهرمان سوی  
اردوگاه دشمن پیش آورده بودند.  
عده ای از مردان آبادی اسلحه بدست،  
دو تریک و ش پشمرگان از صخره های بالا می رفتند  
تابه سمت مزدوران خمینی آتش بگشایند.  
زنهادت ارگات پشت جیسبه را آماده میکردند  
و سران خرد سال آب و آن وقت می آوردند.  
عده ای برای کمک به زخمی های سوی خانه  
- عام شتافتند، در همه خانه ها ساز  
بود. دیکهای مادت هنوز سرد نشده بود.  
ظرفهای شیروی جرقه ها میجوشید و نشان  
تازه پخته نوی تنورهای داغ جزغاله شده  
بود. خروسها میخواندند و بوقلمونها با  
جوجه های شان به غله های سبز تونک میزدند،  
کوبی هیچ اتفاقی نیفتاده است. پراستی  
که خنک طبقاتی چه عالی دارد. آنها که  
نادیروز زندگی فقیرانه خود سخت جیبیدند  
بودند، چه راحت آزان دل میکنند. این  
بزرگترین و ارزشمندترین درس این جنگ بود.  
و امروز وقتی به چادرهای این مردم زجر

کشیده آواره نگاه میکنیم، مبینیم که این  
دستان توانند چه محجزه گراست. در  
اطراف چادرها دیوارهای خشت و گل با آلا  
میرود، دیکهای شیو میچسبند، بچه ها  
شادی میکنند و خروسها میخوانند.  
واقعاً که انگلس چه زیبا مینویسد: "مردم  
وقتی مقاومت نشان میدهند احتمالاً شکست  
هم میخورند، ولی شکست افتخار آمیز  
میخورند و از پی خود آرزوی انتقام را در  
اندیشه های بازماندگان باقی میگذارند.  
آرزویی که در دوران انقلابی، عالینسین  
عامل الهام بخش فعالیت پرشور و نیرومند  
میشود. و اما امروز در دوران انقلابی  
کوبنی شاهد فعالیت پرشور و نیرومند  
خلق متعکس هستیم که تجارب مقاومتها و  
شکستهای فراوانی را پشت سر گذاشته است.  
خلق که امروز میروند تا سرخوش خوش راه  
دست گیرد و بیروزهای جدیدی را تجربه  
کند.  
امروز سرزمین آزاد کردستان قهرمان  
ر و به ده، سنگره شکرخانه خانه زسر  
پوش و حشیانه آرگانهای مرکب ز سر  
خمینی و سخت ترین آتشهای خمینی  
مزدوران سرمایه قرار گرفته است. اما سر  
روستا که منهدم میشود، هر خانه ای که  
ویران میگردد و هر خاتون و ای که عزادار  
میشود آرزوی انتقام را تقویت میکند، کینه ها  
را میافزاید و موج خشم انقلابی را سرریز میکند.  
کافی است تا بایک روستائی کرد چند گنجه  
صحبت کنیم، بیکی از چادرهای این مردم  
آواره سری بزیم تا به این دازی بریم. تا  
بفهمیم چرا مبارزه تاریخی توده ها شکست  
نابذیر است. نقل از روزگاری گل شماره ۷

حقوق ملل در تعیین سر نوشت خویش حق مسلم آنهاست



### هیاهوی . . . بقیه از صفحه ۱

محتکرین و گرانفروشان در خواست کردند .

آغاز گر اینهمه هیاهو و شمار هشدار نخست وزیر بود که با قضیه برنج و با اصطلاح حمله به محتکرین و گرانفروشان، کنترل دولتی و تثبیت قیمت ها را مطرح کرد و در پی آن جمع آوری طومار ها، ارسال نامه ها و پیام ها از سوی ارگانها و نهاد های انقلابی و ائمه جمعه و سخنرانهای سران رژیم راز رژیم جمهور گرفته تا رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل انقلاب و . . . بود که به نشانه حمایت و پشتیبانی از سخنان نخست وزیر نیز شروع شد که با سخنان خمینی این بار در حمایت از وحدت نظر میانی ها و خط امامی ها در این قضیه شدت بیشتری گرفت و آنان هم که به کناری نشسته بودند و تنها نظاره گر هیاهو ها، با به میدان گذاشتن جملگی به اعتراض گفتند، قیمت اجناس و کالا های مورد نیاز مردم در بازار آزاد بین ۱۰ تا ۲۰ برابر نرخ دولتی است. از سود های چند میلیارد تومانی تجار برده برداشتنند. انبار محتکرین را کشف کردند. محتکرین و گرانفروشان را در ردیف ضد انقلاب خواندند که قصد ضربه زدن و براندازی نظام جمهوری اسلامی را دارند. پس نیز اعدام برای آنها درخواست کردند. موبالاخره دادستانی ویژه امور صنفی منحل شده را دوباره بر پا کردند. و دادستان جدید برای پست دادستانی انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی، اما این بار با اختیارات بیشتر، انتخاب کردند که حکم اش را از اجرا باشد. و او هم پس از بررسیهای لازم اعلام داشت: متوجه شدم که در قانون نظام صنفی ماده بسیار

انقلابی که گویای زمان ماست وجود دارد. مثلا در قانون محتکرین و گرانفروشان مصوب خرداد ماه ۱۳۵۳ آمده است:

هر گاه شخص حقیقی یا حقوقی که در ایام مورد احتیاج و ضروری را بیش از میزان و مدت تعیین شده پنهان کند یعنی احتکار کند، . . . دولت می تواند علاوه بر اینکه کالايش را به نفع خود ضبط کند، در مورد کالا های ضروری درجه يك به حبس جنائی درجه يك از ۳ تا ۱۵ سال و در مورد کالا های

درجه دو، تا ۲ سال او را محکوم نماید و هر گاه مرتکب قصد و اقدام در امنیت و ایجاد تزلزل در اقتصاد عمومی کشور را کند مجازاتش تا حد اعدام است. (کیهان ۲۷/۴/۶۲)

بگذریم از اینکه رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت طبقاتی سرمایه دارانه اش، هر از گاهی قوانین شاهنشاهی را بیرون می کشد، اما بر آن پارتی انقلابی میزند تا به نیرنگ، خود را بر بنیادی انقلابی جلوه دهد، اما این بار رژیم به تلاش عبث دیگری دست زده است: متحقق کردن آنچه که دیگر قابل تحقق نیست. فریب توده ها با شعار و عبارات میان تهی. شکایت از زدن پیش رئیس رزبان بردن. آری هیاهو است و شعار.

رژیمی که طی بیش از چهار سال دست سرمایه داران را در غارت و چپاول زحمتکشان باز گذاشته و خود عامل کبود کالاها و افزایش قیمت و ایجاد بازار سیاه و احتکار بوده، رژیم که مصائب جنگ را عمدتا بر کارگران و زحمت کشان تحمیل کرده، فقر و تنگدستی بی خانمانی و آوارگی برای زحمت کشان بیار آورده اما، برای بهره کشی بیشتر، افزایش دستمزدها توده های زحمتکش را در شرایط هر دم افزون قیمت ها، موجب تورم و گرانی دانسته، از فشار گرانی بر توده ها، از رنج و زحمت زحمتکشان سخن میگوید و به اعتراض علیه فقر و فلاکت توده ای برخاسته، هیاهو بر راه انداخته که بار فشار گرانی کم زحمتکش ترین اقشار این جامعه را خم کرده و آنها را به ورطه نیستی کشانده، محتکرین و گرانفروشان را به باد ناسزا گرفته و فریاد بر آورده که محتکرین تیشه به ریشه انقلاب زنند. (کیهان ۲۰/۴) اما اگر اعتراض رژیم به وضعیت توده ها، ظاهری و ریاکارانه است، ولی در بعد دیگر آن، تهدید انقلاب و تبعیضات صحیحتر تهدید حکومت واقعی است که زویداد افسریه و رومداد های مشابه آن، زنگ خطر حرکت توده ای وسیع و خطر سقوط را سائر به گوش رژیم رسانده است. رژیم میبیند، توده ها، خشمگین از وضعیت موجود، برای رهائی از ستم و بندگی، به اعتراض و مبارزه برخاسته اند و از کوچکترین مسئله ای برای نشان دادن خشم و کین خود نسبت به ستمگران بهره میجویند. اکنون فریاد های برگ

بر خمینی، خمینی را به عزای نشانده که بر سر جسم فدائی اسلامی همان خواهد آمد که بر سر رفتگان را به زبان گرفته است. پس دستگاه حکومتی تبلیغات گسترده ای را در برابر رشد روبه تزاید نارضایتی ها که حرکت جمعی را بدنبال دارن آغاز میکند که مبارزه با گرانفروشی و محتکرین يك مورد آن است. اما این يك روی سکه است. رشد جنبش توده ای همرا با ناتوانی رژیم و اختلاف نظر ها در پاسخ گویی به نارسائیهها، تضاد درون حاکمیت را شدت بخشیده به نحوی که شکاف میان دستگاه دولتی هر دم عمیق تر میگردد که اینک بصورت جناحی که خواهان کنترل دولتی بر تولید و توزیع هر چند تا زمانی که تولید به اندازه کافی بالا نرفته!

(کیهان ۸/۴/۶۲) و سرمایه گذاری در تولید است و جناحی که دست رد به هر گونه کنترل و نظارتی میزند، عمده گشته است که در این اختلاف البته در این مقطع و در این مورد

خاص پس از سخنان خمینی در آستانه تشکیل مجلس خبرگان که در حمایت از سخنان نخست وزیر بود و با سخنان عسکراولادی در سمینار هیئت رئیسه اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن در تبریز که ضمن آن از شرکت کنندگان خواست که برای سوق دادن پولهای سرگردان به سمت تولید تصمیماتی اتخاذ کنند، ظاهرآ وزنه به نفع آنان که خواهان کنترل و نظارت دولتی اند، سنگین شده است.

آری هیاهو است و شعار، چه دلیلی از این گویاتر که در کنار هیاهوی جریمه محتکرین (البته آنها که حق و حسابها را نبرداخته اند) به صد میلیون تومان در سال گذشته، تنها از يك قلم برنج، ۵ میلیارد تومان سود نصیب تجار میشود، چه دلیلی آشکار تر از اینکه رژیم، مبارزه با قاچاق و احتکار را در این خلاصه میکند که وزارت بازرگانی میتواند به محتکرین، متقلبین و قاچاقچیان جنس ندهد (عسکراولادی - اطلاعات ۲/۵/۶۲) و بدیهی است هر گاه لازم آمد میتواند هم بدهد. جای شان معلوم و پولشان هم کلان. همانگونه که آهن در اختیار هر استاد و خاموشی نمایندگان کثونی مجلس شورای اسلامی گذاشتند و پس از آنکه اسناد بقیه در صفحه ۲۰



### آلترناتیو . . .

بینه از صفحه ۱۶  
و شیوه کار این ائتلاف  
تدریجیت گشایدن توده های مردم مبارزه  
مستقل انقلابی و بلکه حد اکثری تسلاش  
برای جانشین سازی نیروی خود بجای توده  
ها و طرح تصرف قدرت از بالا بوده است.  
امکان پیروزی ما وجود دارد چون هیچ  
برنامه ای باضمون انقلابی جز مطالبات  
حد اقل پرولتاریای ایران در کین مرحله از  
مبارزه و حتی قابل مقایسه با آن وجود ندارد  
و این تنها برنامه ای است که حقوق کارگران  
پرولتاریا و مبارزه مستقل و آگاهانه  
اکثریت آنان را بر رهبری پرولتاریای آگاه به  
سوسیالیسم تضمین میکند و واقعیات  
زنده گی پرولتاریا مبارزه حاد طبقاتی هر روز  
صحت گفته های برنامه های ما را برای توده ها  
اشکار میگرداند.

آری رفقا! امکان پیروزی ما وجود  
دارد ولی اینها همه بستگی تام و تمامی به  
سک و شجاعت کارما و پیگیری که در این زمینه  
بعمل می آوریم دارد.

ما هیچ وجه طرفداری از خوشبینی غیر  
عقلانی نیستیم. کارگران و زحمتکشان ما  
خود بخود بقدرت دست نخواهند یافت،  
عمل ما عمل مبارزه پیشاهنگ پرولتری میوه

در این مرحله فوق العاده تعیین نشده  
است: انقلاب مجتمع - مینماید ولی حصول  
چه برنامه و چه پریمی ۲ تنها برنامه و پریم  
پرولتاریای انقلابی است که آرمان زحمتکشان  
و آلترناتیو پرولتری را محقق خواهد ساخت و  
نه برنامه های بورژوا - رفرمیستی . . . که  
سرنوشتی بجز استقرار مجدد دیکتاتوری عریان  
سرمایه نخواهند داشت.

رفقا! در امر تبلیغات انقلابی حول  
برنامه عمل پرولتاریایی و شرکت در مبارزات  
توده ای و ویژه طبقه کارگر سازماندهی  
آن لحظه ای تردید و تزلزل بخود راه ندهید  
تنها کارگران و زحمتکشان آگاه و متشکل اند  
که با مبارزات انقلابی خوش خوابهای سلطنت  
طلبان و امپریالیستهارابه کابوس بدل  
خواهند کرد. ائتلافهای بورژوا - رفرمیستی  
را می اشکریم و بدرهم خواهند شکست . . .  
پرولتاریای آگاه و انقلابی، اقتدار متوسط و  
پائین خرد و بورژوازی را بخود ملحق خواهد  
کرد و مبارزه حول برنامه عمل پرولتاریایی به  
پیش خواهد رفت.

رفقا! تبلیغات ماه فعالیت سازمانده  
ما حول برنامه انقلابی یگانه راه حصول به  
پیروزی است. حتی اگر بهر غلظتی موقتاً  
نتوانیم به پیروزی کامل دست یابیم این  
فعالیت ما خود را در یک نیروی عظیم توده ای

در غالب شو راها و جنبه های انقلاب  
و زحمتکشان در ابعاد سرتب گسترده . . . زمانه  
در پی قیام بهمن ۵۷ شکست گرفت، و غیر  
خواهد ساخت و امان را از به قدرت حریفان  
احتمالی گرفته و نطفه قدرت واقعی انقلابی  
کارگران و زحمتکشان خواهد شد.

رفقا! بهر رو امکان پیروزی وجود دارد و  
تعمیلاتی که بتواند ما را با این پیروزی برساند  
بدون شك از هم اکنون موجود است. ما باید  
مبارزات خود را برای سرنگونی انقلابی رژیم  
از طریق اغتشاب عمومی سیاسی و قیام مسلحان  
به پیش ببریم و سازماندهی مبارزه توده  
- هاهمت کاریم. خود این شیوه - رنگینی  
نطفه و زمینه ساز آلترناتیو پرولتری خواهد  
شد. برای پیروزی انقلاب و تصرف قدرت  
نوسط کارگران و زحمتکشان و برقراری -  
جمهوری دموکراتیک خلق و مبارزه بی وقف،  
برای سوسیالیسم تحت رهبری پرولتاریای  
سوسیال دمکرات، یک دنیا کار وجود دارد.

پس رفقا! . . . صمم به پیش!

حدول بقالسه حکومتها: مصحات ۲۲، ۲۱  
ققما قوتش این جلد را بطور جدا گانه نیز منتشر کنند.

منابع: (۱) لین - سوسیالیسم و انقلاب  
(۲) مصاحبه یگانه با رهبری سازماندهی ایران  
(۳) لین - سوسیالیسم و انقلاب  
(۴) دفاع کوریک پرولتری  
(۵) (۷) و (۸) دفاع کوریک پرولتری

### هیاهوی . . .

بینه از صفحه ۱۹  
رئوایی شان اشکار گشت  
در جمع در هیئتان مجلس نشین و  
حمایت بیدریغ ریاست مجلس، بر  
کرسی های انتصابی جلوس نمودند.  
و این تنها نمونه نیست. امروز  
قاچاقچیان ماهی و خاویار، سر  
از شیلات و محترکین برنج، سر از  
استاندارها و دوایر بازرگانی  
بیرون میاورند و گرانفروشان آهن  
و کالا های مورد نیاز مردم بین  
کمیته امور صنعتی و وزارت بازرگانی  
در آمد دارند. امروز قاچاقچیان  
و دزدان در پناه قوای مقننه،  
قضائیه و مجریه تمامی دستگاههای  
عریض و طویل اقتصاد مملکت را  
از وزارت بازرگانی تا شیلات، از  
کشتارگاه و ستاد مهاجرین جنگی  
تا . . . . . در حیطه پلانهای  
خود قرار داده اند و همچنان  
فعال مایشاء هستند. حتی رژیم  
خود هیئتهائی را برای مذاکره  
در مورد معاملات خاویار با یکی از  
قاچاقچیان مصروف بین المللی  
بنام خام دوکوله که وابسته به رژیم  
پهلوی بوده و واسطه شرکت خاویار  
دومزون است (کیهان ۴/۴/۶۲)  
رهسپار پاریس میکند. و گویا تر  
و جالب تر اینکه وزیر نیرو در مجلس  
مجبور میشود در جلسه علنی (او  
میخواست در جلسه غیر علنی  
سخن بگوید که رازها پنهان ماند  
ولی اجازه صحبتش ندادند) یکی

از هزاران مورد دزدی و قاچاق  
را بر ملا میکند. او صراحتاً می  
گوید: برای زدن سقف نیروگاه  
مدتها منتظر آهن بودیم و تنها  
راهی که بعد از شش، هفت ماه بدست  
آوردیم، این بود که بوسیله  
قاچاقچیان به دومی برویم  
و فوختیم و آهن برای سقف انجا  
آوردیم. (اطلاعات ۱/۵/۶۲)  
آری هیاهو بود و شعار برای فریب  
زحمتکشان، برای تعدیل تصادمات  
طبقاتی، هیاهو بود و شعار برای  
فائق آمدن جناحی بر جناح دیگر،  
برای دریافت بخشی از درآمدها  
ی سرمایه داران تا شاید همراه  
با قاچاق کالا و از این طریق درآمد  
بیشتر، مقداری از اینجا و مبلغی  
از آنجا، بخش هر چند جزئی خزان  
تأمین گردد.

تعملاً هیاهو و شعار بود. وضع  
به همانگونه است که بود. زحمت  
کشان هم چنان در زیر بار گرانی  
و کمبود شدید کالاها قرار دارند  
هنوز معاشها در صف های  
طول می ایستند تا اندکی از  
یا احتیاج روزانه خود را بدست  
آورند. هنوز بازار سیاه پابرجا  
ست. و قیمت ها نه روز به روز که  
ساعت به ساعت و لحظه به لحظه  
افزایش می یابد. اما اگر رژیم  
سرمایه داری جمهوری اسلامی  
فقر و فلاکت توده ای را هر دم  
افزون میکند، در برابر زحمتکشان  
راه حل انقلابی برای رهایی از  
فقر و تنگدستی وجود دارد.

راه حلی به شیوه انقلابی و  
دمکراتیک یعنی سپردن ابتکار  
عمل بدست کارگران و دهقانان  
و تمامی زحمتکشان شهر و روستا.  
و این در صورتی است که تمامی  
زحمتکشان با مبارزه ای یکپارچه  
و سازمان یافته تحت رهبری طبقه  
کارگر نظام سرمایه داری را نابود  
سازند و کنترل و نظارت، حساب  
را جایگزین آن نمایند و بر توزیع  
و توزیع کنترل کارگری اعمال کنند  
تا مشکلات و معضلات اقتصادی  
به شیوه ای دمکراتیک یعنی از  
پایین و بدست توده ها و به نحوی  
انقلابی یعنی با تغییرات اساسی  
و از میان بردن شیوه های کهنه و  
قطع غارتگریهای سرمایه داران  
حل گردد، تا جلوسورهای  
کلان سرمایه داران گرفته شود،  
صادرات و واردات بر حسب نیاز  
های واقعی جامعه صورت گیرد  
و کالا های مورد نیاز به نحوی  
برنامه ریزی شده و بدون واسطه  
از طریق تعاونیهای توزیع و  
مصرف در اختیار زحمتکشان قرار  
گیرد. عبارتی سیستم مصرف  
بطور واقعی تنظیم گردد تا مصرف  
واقعا تحت کنترل در آید  
محصولات مورد نیاز زحمتکشان  
توزیع شود و مصرف شود و این  
تحت کنترل توده ها در آید.  
آری ابتکار عمل در دست توده ها  
کنترل تولید و توزیع بدست زحمت  
کشان اهرمی است که کنترل واقعی  
را به مرحله اجرا در میاورد.





## سه آلترناتیو حکومتی در مقابل رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی

بهرزوازی متوسط تجاری و  
فوقفوقانی خرد و بهرزوازی  
سنتی، روحانیت، پاسداری  
کمیته جی ها...  
جمهوری اسلامی -

بهرزوازی بزرگ، سلطنت  
طلبان و پاندهای فراری  
ارتش، ساواکها و عمال  
رژیم سابق شاه چینه  
میخواهند؟  
سلطنت (شرطه)

بهرزوازی لیبرال (بنی صدر و  
شرکا) بحلاوه خرد و  
بهرزوازی (اتلاف لیبرال -  
دکترانیک شورای ملی مقاومت)  
چه میخواهد؟  
جمهوری دمکراتیک اسلامی

کارگران آگاه و مبارز  
(کمونیستها) چه میخواهند؟  
جمهوری دمکراتیک خلق

### ترکیب طبقاتی این سیستم های حکومتی منافع چه طبقاتی را تأمین میکند؟

بهرزوازی متوسط و اقطاع  
فوقانی خرد و بهرزوازی سنتی  
حکومت سرمایه داران با  
پوشش مذهبی  
دیکتاتوری علیه کارگران و  
زحمتکشان

بهرزوازی بزرگ و کلیه  
استثمارگران  
دیکتاتوری عریان سرمایه  
داران  
علیه کارگران و زحمتکشان

خرد و بهرزوازی و بهرزوازی  
لیبرال  
دیکتاتوری سرمایه داران  
با شعار آزادی دروغین و  
مذهب  
علیه کارگران و زحمتکشان

کارگران و خرد و بهرزوازی  
شهر و روستا (اشتراکیت و بیستم)  
دیکتاتوری دکراتیک انقلابی  
کارگران و زحمتکشان  
آزادی برای کارگران و  
زحمتکشان، دیکتاتوری علیه  
سرمایه داران و همه  
استثمارگران

### شیوه تصرف قدرت در هر یک از این آلترناتیوها

سوار شدن بر موج جنبش با  
سوء استفاده از ناآگاهی و  
عدم تشکل توده ها، بند و  
بسته با امرای ارتش و امین بالیزم

عمدتاً کودتا یا نفوذ در  
قدرت و استحاله تدریجی  
آن به اتکا نیروهای مسلح

ترویج فردی و حرکت های جدا از  
توده ها و تصرف قدرت از بالا  
(بندوست احتمالی با ارتش)  
خیزیدن بقدرت در خلا -  
الترناتیو پیروانتری و سوار شدن  
بر موج جنبش و استفاده از  
ناآگاهی آنها

سازماندهی جنبش انقلابی  
کارگران و زحمتکشان  
کمیته های مخفی انحصار و  
مقاومت  
انتخاب عمومی سیاسی و  
قیام مسلحانه توده ای

### بالا ترین ارکان تصمیم گیرنده

ولی فقیه، مجلس خبرگان  
انتصابی (با انتخابات  
دروغین)  
رئیس جمهور و مجلس شورای  
اسلامی با انتخابات تقلبی  
هیأت دولت انتصابی

شاه و هیئت دولت و مقامات  
انتصابی با امتیازات ویژه  
مجلس نمای انتصابی  
مجلس شورای تقلبی

مجلس با انتخابات نیمه  
دکراتیک ولی بهرزوازی و  
دولت لیبرال دکراتیک و  
مقامات انتصابی و با  
امتیازات ویژه

ککزه شورا های کارگران  
و زحمتکشان در راس مقامات  
انتخابی و قابل عزل آزوسی  
توده ها و بدون هرگونه  
امتیاز ویژه



جمهوری مکرانیک خلق	جمهوری مکرانیک اسلامی	سلطنت " مشروطه "	جمهوری اسلامی
--------------------	-----------------------	------------------	---------------

**مشخصه های بارز هر یک از این سیستم های حکومتی و نقطه اتکا آنها**

انحلال ارتش کلاسیک و بوروکراسی، انحلال سپاه و کمیته و... ارتش توده ای در تسلیح عمومی خلق	ارتش کلاسیک و بوروکراسی با یک سری تعدیلات و تغییرات بوروکراتیک انحلال سپاه و کمیته	ارتش کلاسیک و بوروکراسی	حفظ ارتش کلاسیک و بوروکراسی ایجاد سپاه و کمیته و...
تفسیرات اساسی در سیستم اقتصادی بود کارگران و زحمتکشان سخت گیری و مساواتی و برقراری کنترل کارگری	حفظ سیستم سرمایه داری وابسته با یکسری رفرمسهای بوروکراتیک و سطحی	سیستم سرمایه داری وابسته	حفظ سیستم سرمایه داری وابسته
شوراهای کارگران و زحمتکشان عنوان ارگانهای مقتضه و مجریه و سایر ارگانهای ترقی	شورای نمایندگان بی اراده و ضعیفی	سندیکاهای مزد وابسته به رژیم	شوراها انجمن ها اسلامی وابسته به رژیم
دادگاه های عادی با هیئت ضعیف	دادگاه های نظامی و عادی بویژناتی بنفیع سرمایه داران	دادگاه های شرع	دادگاه های شرع
آزادی برای کارگران و زحمتکشان	مکراسی بویژناتی سرودم بریده و موقتی	نفی هرگونه مکراسی برای زحمتکشان	نفی هرگونه مکراسی برای زحمتکشان
انجام پاره ای رفرمها و خواسته های نیم بند از طریق بوروکراتیک	انجام پاره ای رفرمها و خواسته های نیم بند از طریق بوروکراتیک	حرکت در مقابل و علیه حقوق زحمتکشان	حرکت در مقابل و علیه حقوق زحمتکشان
خود مختاری تیم بند	خود مختاری تیم بند	نفی هرگونه خود مختاری برای خلقها	نفی هرگونه خود مختاری برای خلقها
برابری و آزادی نسبی برای زنان و اقلیت های مذهبی ولی ارجحیت با اسلام	برابری و آزادی نسبی برای زنان و اقلیت های مذهبی ولی ارجحیت با اسلام	حقوق محدود برای زنان و اقلیت های مذهبی	نفی هرگونه حقوق برای زنان و اقلیت های مذهبی
استفاده از مذهب علیه کمونیست ها و رشد آزادانه آگاهی توده ها	استفاده از مذهب علیه کمونیست ها و رشد آزادانه آگاهی توده ها	استفاده محدود از مذهب برای تحقیق ولی جدائی دین از دولت	بیشترین استفاده از مذهب برای تحمیل توده ها و برقراری حکومت مذهبی

**این سیستم های حکومتی چه اهدافی را دنبال میکنند؟**

برقراری بیشترین آزادیها برای کارگران و زحمتکشان و تضعیف تغییر حرکت مستقل سیاسی آنها در جهت رشد آگاهی و تشکلات از طریق شوراها و اتحادیه های کارگران و زحمتکشان و اینکه طبقه کارگر آزادانه و مستمر در رأس فکری ترین زحمتکشان برای پیشبرد مبارزه کند برای برتری که در فقر و محرومیت نه شریعتند و خواستند ریزند و... نگیبه و سایل تولید در کارخانه ها به تمامی مردم زحمتکش متعلق خواهد شد	مقامات و پلیس وابسته به بویژنوازی و خرید و بویژنوازی آزادی استثمار کارگران و ستم بر زحمتکشان	مقامات و پلیس وابسته به بویژنوازی بزرگ استثمار کارگران و زحمتکشان مردم بدون کوچکترین آزادی و حقیقی	آزادی برای مقامات بروحانیت یاسد اران، کمیته جی ها، نیروهای نظامی و انتظامی و حکام شرع و... برای دست زدن به هر عملی غارت کارگران و زحمتکشان توسط سرمایه داران و زمینداران و مردم سستون کوچکترین آزادی و حقیقی
غیر قابل تثبیت مگر به صورت دیکتاتوری عربان سرمایه داران	دیکتاتوری عربان سرمایه داران	دیکتاتوری عربان سرمایه داران	دیکتاتوری عربان سرمایه داران



برنج ۰۰۰

بقیه از صفحه ۲۴

بسیاری از حقایق پشت پرده مسی گردید. آشکار میشود که مشکل برنج را به بسیاری سپرده اند: به نماینده امام و امام جمعه گیلان، به نماینده و امام جمعه رشت، به استاندار و فرماندار، به ماموران ستاد بسیج اقتصادی که حقوقشان هم می بایست از محل فروش همین برنج ها به قیمت هر کیلو ۲۰۰ ریال تا مین شود، به شورای عالی اقتصاد که نرخ را تعیین کرده و به سازمان تعاونی روستایی که خرید را و شرکت گسترش بازرگانی که توزیع را در طرح سال ۶۰ به عهده گرفته و بالاخره به وزارت بازرگانی که بنا به تصمیم شورای اقتصاد که مسائل مربوط به خرید و فروش برنج را از تابستان گذشته در اختیار گرفته است که وزیر بازرگانی هم از این پس، برنج را "شرعی اعلام کرده است. و آشکار میشود که همین شرعی دانستن برنج، از این جهت صورت گرفته که صاحبان سرمایه ارزانی بخرنوگران بفروشند و از این رهگذر ده میلیارد تومان سود ببرند.

اینجا است که مشکل برنج، سخنان نبوی را مبنی بر مشکل حضور ۱۱ ارکان مختلف جمهوری اسلامی در کارخانه ها که مانع راه توسعه صنعتی اند، تداعی میکند: استاندار، امام جمعه، سپاه پاسداران، کمیته دادستان انقلاب اسلامی، وزارت کار، دادگاه ویژه امور کارخانه، امام جماعت کارخانه، انجمن اسلامی کارخانه و شورای اسلامی کارخانه ها.

سرگردانی برنج، اما، گذشته از تمام کیسری های رژیم، گذشته از تمام اختلاف ها و تضاد های جناح های مختلف رژیم در اعمال قدرت از طریق ارگانها و نهاد های گوناگون، دلیل خاص خود را نیز دارد. اختلاف بر سر کنترل و نظارت دولتی بر تمامی فعالیت های اقتصادی، از جمله تولید و توزیع به منظور جذب سرمایه ها به روند تولید از یک طرف و تجارت آزاد و سیستم آزاد عرضه و تقاضا و بازنگذاشتن دست تجار و نفی کنترل دولتی، یک طرف دار و دسته عسکراولادی وزیر بازرگانی کابینه است که آزاد شده معاملات

برنج و بصریح حق العمل کارها و تجار اما با کنترل و نظارت وزارت بازرگانی را علم کرده تا محصول یکسال برنج و زحمت کشاورزان را به یغما برند یعنی با خرید محصول به نازلترین قیمت ( هر کیلو ۱۸۰ ریال) و کسب داشتن آن به انبارهای تجار و... ( در همان فاصله زمانی که جاده ها برای خروج برنج آماده گشته بود.) و سپس فروش آن به قیمت هر کیلو ۴۵۰ ریال در بازار و بعد حتی ۹۳۰ ریال. طرف دیگر هم دار و دسته موسوی نخست وزیر کابینه است که پس از سپردن مشکل برنج به این و آن و عاجز ماندن از حل آن و ناتوانی در کنترل تولید و توزیع و مواجهه با صفهای طولانی نان و عدم فروش گندم و برنج از سوی روستائیان حتی با تقاضای فروش به دولت همراه با باج دادنها، اما، تحت عنوان کمک های جمعی، بخواهد از یک سو تقصیر فقر و گرسنگی زحمتکشان را از خود باز نهد و از سوی دیگر با اعلام کنترل دولتی و برقراری نظم، سرمایه های هر چه بیشتری را جذب تولید نماید. پس وزیر کابینه و وزارتخانه اش را متهم به باز کردن مرزها میکند و مشکل برنج را بر اثر سیاستهای غلط وزارت بازرگانی قلمداد میکند. دعوا بالا میکشود. کار به مجلس و بر ملا کردن بیشتر حقایق توسط هواداران دو جناح در مجلس کشیده میشود. عسکر اولادی که طعمه دار است چون رویاهی حیله گر تمام کاسه و کوزه ها را بر سر شورای عالی اقتصاد میکند. زیرا هم هیئت دولت و هم شورای عالی اقتصاد به سرپرستی نخست وزیر رای موافق به سیاست عسکر اولادی داده اند. آقا زاده وزیر مشاور که از حمله عسکر اولادی غافلگیر شده به نمایندگی دولت ضد حمله آغاز میکند و محترمانه عسکر اولادی را به دروغگویی متهم می کند و خورد و هیئت دولت را سرا از هر گونه خطا! اما در بیرون از این دعواها بر سر برنج آنچه نصیب زحمتکشان می شود ۲ کیلو برنج سهمیه یکسال زن سالخورده روستایی کرد است که نماینده قروه بر ملا میسازد. اما نه بعنوان اعتراض به این سهمیه بندی که در تلاش اثر بر سر رای تبلیغات دروغین حضور همیشگی

مردم در صحنه (!!) و کمک های ایثار گرانه شان به جیبه ها که یاد اثر اخروی دارند. پس از مجموعه این تضاد ها این نتیجه حاصل میشود: تلاشهای دیوانه وار رژیم برای انباشت ثروت به قیمت فحشی و گرسنگی زحمتکشان. کوشش های رژیم برای بر کردن جیب سرمایه داران با بهره کشی هر چه بیشتر زحمتکشان و به فقر و فلاکت کشاندن آنان، که نصیب زحمتکشان روستایی شالیکار هم، به جای منافع حاصله از حمایتشان، تنها اه و وحسرتی است که برایشان باقی مانده است. و از این روست که معرود برنج، سرگردانی و مشکل آن نیز نمیتواند جدا از همین سیاستهای رژیم بر حمایت و حفاظت از منافع تجار و سرمایه داران دیگر باشد.

اما اگر شدت یابی تضاد های رژیم، اگر به فقر و تنگدستی کشاندن زحمتکشان برای تامین سود سرمایه داران و فزونی هر دم افزون بهره کشی از کارگران و زحمتکشان شهر و روستا و تحمیل فشار بر دوش آنان، اگر سیاست فریب و سرکوب رژیم، اگر... و اگر همه اینها نشانه پایان کار رژیم جمهوری اسلامی است، اما آینده از آن زحمتکشان است. اکنون دو خصم طبقاتی در مقابل یکدیگرند که هر دم شکاف میان شان عمیق تر میگردد. دو خصم که یکی برای حفظ نظم موجود و دیگری برای آزادی، برای رهایی از رنج، فقر و تنگدستی می جنگند... مبارزه کارگران و زحمتکشان گه برای آفرینش نظامی نوین بیا می خیزند تا بر هر گونه روابض ستعمرانه ای که زحمتکشان را تحقیر و به نابودی میکشد، خط بطلان کشند. تا به هر گونه سرگردانی و بی خانمانی پایان دهند. و پایان سرگردانی برنج را هم در پیوند با این مبارزه و متاسفانه از گردن باد های خصم طبقاتی کارگران و زحمتکشان که در این آفرین یافته است، می باشد. سکون و آرامش زمانی فرا میرسد که گردن بادها بدل به طوفانی عظیم گردند و بنا بر رژیم را بر اندازند که هم پایان سرگردانی رژیم است اما با نابودی اش و هم پایان سرگردانی برنج است اما با آزادی ورهائی کارگران و زحمتکشان.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

## یادداشتی سیاسی

### جنایتکار کیست ؟

رژیم جمهوری اسلامی از طریق ارگانهای تبلیغاتی اش خیرازبه اصطلاح جنایتی می دهد : " طی جنایتی در تهران، پدیری بعزت ناتوانی در تهیه لوازم زندگی دو فرزندش را سربرید ". (کیهان ۲۳/۴/۶۲) کیهان سپس در ضمن خبر می نویسد: " در جنایتی فجیع وی سابقه در شهرن مطهری واقع در جنوب تهران، در محل گور پزخانه حاج عباس، در خانه ای ۵۰ متری با دو اتاق که وسایل داخل اطاق حکایت از تنگدستی و وضع ناسعدان میکند، پدیری، کارگر شرکت مخابرات شعبه خیابان اکباتان بود دختر یکساله و سه ماهه خود را سربرید . بقیه در صفحه ۱۰

### برنج سرگردان در راه

برنج دولتی یا برنج شرعی، کد امیک ؟ برنج ماهها در بالها است که در راههای شمال سرگردان است. گاه در پرورش می بندند و دلتی اش اعلام میکنند و گاه آزاد شرعی اش میخوانند پس پروانه عبورش میدهند اما هنوز حکم " منع قانونی " خروجش خشک نشده، باز به بندن میشوند و این بنیر و بند ها، منع و مجازها ادامه می یابد تا بالاخره کیهان تیر میزند که: " نخست وزیر: توزیع برنج اصیل در دست دولت خواهد بود. مرزهای گیلان و مازنداران برای خروج برنج باز نخواهد شد " (کیهان - ۱۴/۴/۶۲) و همین آغاز ماجراوهیاهوی بسیار بر سر برنج بقیه در صفحه ۲۳

### هشدار به دانش آموزان

اخیر از سوی برخی از مسئولین مدارس نامه هایی به دانش آموزانی که در امتحانات خیر در ماه موفق نشده اند ارسال گشته و به آنها تذکره شده اند که اگر چنانچه حاضر شرکت در جبهه ها باشند دیگر احتیاج به شرکت آنها در امتحانات شهریور ماه نبوده و قبول شده محسوب میشوند. آنها با این تاکتیک مزورانه خود سعی دارند اینسار قربانیان جبهه جنگ ارتجاعی را از میان آن دسته از انبوه محصلین مدارس برگزینند که تاکنون فریب بقیه در صفحه ۱۰

## "خودکفائی"!

رژیم جمهوری اسلامی، اگر در اجرای وظیفه بازسازی نظام ضربه خورد و سرمایه داری، زمانی در جوار ضد امپریالیستی ضد امپریالیستی جامعه، رابطه با امپریالیستها را انکار میکرد و امپریالیستها نیز تک دشمن اصلی اش میشدند، و اگر زمانی بعد، واقعیت جنگ و لاجرم تامین سلاح و قطعات یدکی مورد نیاز مجبور شد معامله با دلالهای بین المللی را ضمیمه تامین تجهیزات مورد صرف جنگ قلمداد کند، امروز در مواجهه با شدت یابی بیشتر بحران اقتصادی و ورشکستگی بی حد مالی از یک سو و از سوی دیگر در برابر تعمیق و گسترش مبارزه طبقاتی، نه تنها نخست وزیرش از فروش نفت به آمریکا

برده بر میدارد و صراحتاً اعلام میکند: " ما علاوه بر این اسلحه ( منظور اسلحه های که پول آن از طرف ایران پرداخت شده ) طلب های زیادی از آمریکا داریم. قبلاً یونهای زیادی بابت خرید کالا پرداخت شده، حتی بعد از انقلاب مقدار زیادی مانفست فروخته ایم که نسبتاً پولش پرداخت نشده ". (کیهان - ۲۹/۴/۶۲) بلکه وابستگی به امپریالیستها را چنان شدت بخشیده که تنها در عرض ۵ روز در خرداد ماه اقدام به ورود ۱۵ مورد ( که مسلم بخشی از تمامی کالا های وارداتی در این مدت است ) کالا های مختلف به قیمت های ریز و درشت از کشورهای امپریالیستی و از جمله آمریکا و کشورهای تحت سلطه امپریالیستها کرد است.

کشور فروشنده کالا	وزارتخانه یا موسسه گیرنده کالا	مبلغ به ریال	کالاهای وارد شده
امریکا	شرکت صنایع هواییمائی ایران	۲۸۵۹۲۷۷۷	قطعات یدکی هواپیما ( ۱۴۳۰۹ قطعه )
ژاپن	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران	۱۹۱۹۶۸۳۲۴	راد یورله ( ۶۰ دستگاه )
ژاپن	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران	۲۰۰۵۰۰۱۶	لوازم انداز کشیری یوج اف ( ۱۰۸ عدد )
ایتالیا	شرکت توانیر	۴۰۸۳۴۲۴۱	لوازم یدکی، بیسیم های مخابراتی
آلمان غربی	شرکت توانیر	۱۳۸۰۹۴۳	والو ( ۸ عدد )
سوئد	شرکت دوران وابسته به بانک ملی ایران	۱۴۹۸۵۰۰	یک سری تیغ ار ۷۸ عدد سوزن قالب سازی ( بنسبتی استانبول )
آلمان غربی	شرکت دوران وابسته به بانک ملی ایران	۱۵۱۸۰۰	۵۰ عدد فرزندوزن ۶ کیلوگرم خالص ( بنسبتی درجیه )
انگلستان	شرکت آلوران وابسته به بانک بیعد ایران	۲۶۱۲۷۱	برد الکتریک ( ۵ عدد )
آلمان غربی	وزارت راه و ترابری	۳۴۱۵۵۰۰۰۰	کولر کامیون ( ۵۰۰۰ عدد )
بریتانیا	شرکت صنایع هواییمائی ایران	۸۷۹۷۹۹	۹ عدد قطعات یدکی دستگاه سرد کننده
هنگ کنگ	شرکت صنایع هواییمائی ایران	۳۵۲۷۶۷	قطعات یدکی هلیکوپتر ( ۱۰ قطعه )
ژاپن	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران	۸۸۷۶۷۸۷	یک سری لوازم یدکی راد یورله
آلمان غربی	شرکت صنایع هواییمائی ایران	۱۰۹۰۹۰۲۳	قطعات یدکی هواپیما ( ۱۱۵۹۰ قطعه )
بریتانیا	شرکت صنایع هواییمائی ایران	۱۱۲۱۴۸	یک عدد برس مکانیکی دستی
سنگاپور	شرکت ملی نفت ایران	۲۷۷۵۲۰۰۰۰	۲۸۰۰۰ تن متریک نفت گازو ۳۰۰۰ تن متریک نفت سفید